
جزوه طلاق

گروه کارآموزی مجازی ثبت طلاق ۱۳۹۵

به همراه پرسش و پاسخ
و ضمایم (فرم‌ها و نامه‌ها)

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه کارآموزی مجازی ثبت طلاق

به همراه پرسش و پاسخ و ضمائم (فرم و نامه)

۱۳۹۵

در سال ۱۳۹۵ گروهی از اساتید و سردفتران با محوریت استاد جلیلی جزوه مفصلی را درباره طلاق و ثبت و صیغه آن تهیه کردند. این جزوه اگرچه بسیار جامع اما متأسفانه به لحاظ دسته‌بندی به هم ریخته بود. فرمها در ابتدای مطالب آمده بودند. تلاش کردم متنی آراسته و ویراسته از این جزوه به دست دهم، این متن از زواید بسیاری پیراسته شد. برخی اعداد در انتقال از نسخه پی‌دی‌اف به نسخه ورد تغییر پیدا کرده‌اند که اغلب اصلاح شده‌اند. اگر کاستی‌ای از این نظر بود بر عهده بنده است. از همه اساتید و سردفتران عزیزی که زحمت تدوین متن اصلی را به جان خریدند سپاسگذارم. امیدوارم میراث ماندگاری برای سردفترانی که این کار را آغاز کرده‌اند باشد.

سید مجید حسینی دستجردی

فهرست

اول: اقسام طلاق.....	۱
طلاق رجعی و اقسام بائن.....	۱
طلاق قضایی.....	۴
دوم: عده.....	۶
سوم: ارکان طلاق.....	۷
شهود و معرفین.....	۸
چهارم: ثبت طلاق.....	۹
۱. ثبت طلاق رجعی.....	۹
۲. ثبت طلاق خلع و مبارات.....	۱۳
۳. ثبت طلاق غیر مدخوله و یائسه.....	۱۸
۴. امور مالی و غیر مالی زوجه در ثبت طلاق.....	۱۸
۵. گواهی بارداری.....	۱۸
۶. قبوض اقساطی.....	۱۹
۷. دادنامه و مهلت ثبت.....	۱۹
پنجم: پرسش و پاسخ.....	۲۲
ششم: ضمائم (فرم‌ها و نامه‌های اداری).....	۳۴

اول: اقسام طلاق

۱. طلاق رجعی

طلاق رجعی به طلاق گفته می‌شود که مرد در ایام عده حق رجوع دارد، اعم از اینکه رجوع کند یا خیر، زوج باید حقوق حقه زوجه را اعم از مهریه و نفقه پرداخت کند.

۲. طلاق بائن

طلاق بائن به طلاق گفته می‌شود که زوج حق رجوع ندارد اعم از اینکه عده داشته باشد یا نداشته باشد.

اقسام بائن

۱. خلع

خلع از ریشه خلع به معنی کندن و درآوردن است. در طلاق خلع شوهر خالع و زن مُختَلَعه نامیده می‌شود. طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد، اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد. ماده ۱۱۴۶ ق.م.

دو خصوصیت طلاق خلع:

الف. تنفر زن از شوهر: تنفر باید به حدی باشد که بیم آن رود که از نظر گفتار و کردار و غیره از طاعت خدا بیرون گشته گرفتار معصیت شود.

ب. بخشش مالی از طرف زن تا مرد او را طلاق دهد.

بنابراین بسیاری از طلاق‌هایی که طبق حکم دادگاه خلع می‌نویسند در واقع خلع نیست چون فقط به یک خصوصیت اکتفا شده یعنی همین که زن مقداری از مال خود را می‌بخشد ولو تنفر نباشد خلع می‌نویسند که این صحیح نیست یعنی اگر کراهت از طرف زوجه نباشد هر چند بذل مال باشد طلاق رجعی خواهد بود

۲. مِبارات

مبارات به معنی بیزار شدن از یکدیگر است. تفاوت این طلاق با طلاق خلع این است که در مبارات تنفر زن و شوهر دوجانبه است، طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد. ماده ۱۱۴۷ ق.م

طبق فرمایش شهید در لمعه، طلاق مبارات از نظر شرائط و احکام دقیقاً مانند خلع است جز در سه مورد که با آن فرق دارد:

شرایط مبارات

۱. مبارات در جایی است که تنفر از هر دو طرف باشد
۲. به همین دلیل جایز نیست زوج بیش از مقدار مالی که به زوجه داده از او بگیرد
۳. در مبارات بعد از ذکر صیغه مبارات «بارئتک علی کذا» واجب است صیغه طلاق «انتِ طالق» را نیز به دنبال آن بیاورد، لذا همانند خلع، زوجه می‌تواند بمابذل رجوع و پس از آن برای زوج نیز امکان رجوع به زوجه مهیا می‌شود.^۱

۳. طلاق صغیره

کسی که ۹ سالش تمام نشده است

۴. طلاق غیر مدخول‌بها

کسی که با آن نزدیکی صورت نگرفته است قبلاً باشد یا دُبُرّاً

۵. طلاق یائسه

زنی که که در سن یائسگی قرار دارد، یائسه شدن به سن زن بستگی دارد، نه قطع شدن خون.

سن یائسگی از نظر امام خمینی

به فتوای امام خمینی ره ملاک در یائسه شدن زن سن اوست نه قطع شدن خون؛ بنابراین زنی که به سن یائسگی نرسیده است، یائسه نیست و نمی‌تواند به احکام یائسه عمل نماید و بالعکس خانمی که به این سن رسیده باشد، حکم یائسه را دارد، اگرچه خون نیز ببیند. سن یائسگی زن غیرقرشیه ۵۰ و قرشیه ۶۰ سال قمری است. پس زن قُرَشِيَّه با رسیدن به ۶۰ سال کامل قمری و غیرقرشیه با رسیدن به ۵۰ سال تمام قمری یائسه می‌شود. احتیاط مستحب آن است که در امر ازدواج ۶۰ سالگی، و در رجوع بعد از طلاق ۵۰ سالگی مطلقاً رعایت شود^۲ و تا وقتی که برای زن یقین به سن یائسگی پیدا نشود یائسه محسوب نیست و نمی‌تواند به احکام آن عمل نماید.^۳

۱. بند ۳ ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی تحریر الوسیله حضرت امام ره «طلاق خلع و مبارات تا زمانی که زن چیزی را که به شوهرش بخشیده تا طلاقش دهد تا زمانی که مطالبه نکرده از نوع بائن است و بعد از مطالبه رجعی می‌شود.

۲. تحریر، ج ۱، کتاب الطلاق، فصل فی عدۀ الفراق، مسأله ۹

۳. رجوع شود به تحریر الوسیله؛ ج ۱، کتاب الطهاره، فصل فی غسل الحیض

ایام یائسگی از نظر دیگر مراجع

یائسه از ریشه یأس به معنای، ناامیدی است. به زن یائسه، یائسه می‌گویند چون، از خون دیدن و آوردن فرزند ناامید است. احکام یائسگی به شرح زیر است

خونی که زن پس از گذشت ۶۰ سال قمری^۴ می‌بیند، حیض نیست، گرچه شرایط و صفات حیض را هم دارا باشد و خونی که قبل از تمام شدن ۵۰ سال قمری^۵ می‌بیند، اگر شرایط و علیم حیض را داشته باشد، حیض است اما دیدگاه فقها درباره حکم خون‌هایی که زن پس از تمام شدن ۵۰ سال قمری تا ۶۰ سال می‌بیند، به تفصیل عبارت است از:

۱. زن‌های سیده، بعد از تمام شدن ۶۰ سال قمری یائسه می‌شوند؛ یعنی خون حیض نمی‌بینند و زن‌هایی که سیده نیستند، بعد از تمام شدن ۵۰ سال قمری یائسه می‌شوند.^۶

۲. زن‌هایی که سیده نیستند بعد از تمام شدن ۵۰ سال یائسه می‌شوند و زن‌های سیده بعد از تمام شدن ۵۰ سال تا تمام شدن ۶۰ سال چنان چه با نشانه‌های حیض یا در روزهای عادت خون ببینند، بنابر احتیاط واجب بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نمایند.^۷

زن‌های سیده و غیرسیده مطلقاً در سن ۶۰ سالگی یائسه می‌شوند و احتیاط مستحب آن است که زن‌هایی که قرشیه نیستند بعد از تمام شدن ۵۰ سالگی تا تمام شدن ۶۰ سال چنان چه خون را طوری ببینند که اگر پیش از ۵۰ سال می‌دیدند قطعاً حکم حیض را داشت میان کارهای مستحاضه و تروک حائض جمع نمایند.^۸ زنان سیده و غیرسیده هر دو بعد از تمام شدن ۵۰ سال یائسه می‌شوند، یعنی اگر خونی ببینند خون حیض نیست، مگر زنانی که از قبیلۀ «قریش» محسوب می‌شوند، آنها بعد از تمام شدن ۶۰ سال یائسه می‌شوند.^۹

۶. طلاق سوم

سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید، اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح.

۴. شصت سال قمری معادل ۵۸ سال و ۷۷ روز و ۱۲ شمسی می‌شود. (جامع المسائل، آیت الله فاضل، ص ۶۲، سؤال ۱۷۹)

۵. پنجاه سال قمری معادل ۴۸ سال شمسی و ۱۷۰ روز است. (همان)

۶. این نظر امام، آیات عظام اراکی، گلپایگانی و فاضل لنکرانی (ره) است.

۷. این نظر آیت الله خوئی ره است.

۸. این نظر آیت الله سیستانی است.

۹. این نظر آیت الله مکارم است، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۵۲، مسأله ۴۳۵، چاپ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۴

طلاق قضایی

طلاق قضائی (طلاق حاکم) همان طلاق حکمی است نه گواهی. در مواردی که زن به موجب سند ازدواج یا سند رسمی دیگر وکالت یا وکالت بلاعزل از طرف شوهر نداشته و به واسطه عسر و حرج به موجب مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی درخواست طلاق دارد، طلاق قضایی گویند.

الف. طبیعت طلاق قضایی در مورد غایب مفقود الاثر

در این مورد به لحاظ مفقود بودن شوهر و بی‌خبری از حیات و ممات او بعد از تحقیق و تفحص در مدت نسبتاً قابل توجه، حاکم برای بیرون آوردن زن از بلا تکلیفی مداخله می‌کند و او را طلاق می‌دهد و به او امر می‌کند که عده نگه دارد و با انقضاء ایام عده، زن از بلا تکلیفی درآمده از قید زوجیت سابق رها می‌گردد و می‌تواند با دیگری ازدواج کند.

طلاق که به این صورت واقع می‌شود، رجعی است یعنی اگر قبل از انقضاء عده، شوهر پیدا شد می‌تواند رجوع کند و زندگی زناشویی را ادامه دهد رجعی بود طلاق زوجه غایب مفقود الاثر هم در قانون مدنی و هم در کلمات فقها به آن تصریح شده است.

طلاق در این فرض، طلاق خاصی است که هرچند عنوان طلاق را با خود دارد ولی با طلاق‌های دیگر، متفاوت است و لذا مدت عده آن، معادل عده وفات است.

بعضی از فقهاء در این مورد وقوع طلاق را نیز لازم نمی‌دانند بلکه معتقدند حاکم، زن را امر می‌کند که عده وفات نگه دارد در طول این مدت و ضرب الاجلی که به عنوان عده وفات تعیین شده اگر احیاناً شوهر پیدا شد، می‌تواند رجوع کند و اگر عده منقضی شد دیگر تکلیف قطعی زن تعیین شده و از قید زوجیت سابق خلاصی یافته است؛ ولی مشهور فقهاء طلاق حاکم را لازم می‌دانند و می‌گویند، طلاق، طلاق رجعی است و احکام آن را دارد ولی در عین حال، زن باید عده وفات نگه دارد که قانون مدنی نیز از همین نظر پیروی نموده است.

در واقع، علت اقدام حاکم بر طلاق دادن زوجه در این فرض، غیبت و بی‌خبری از شوهر و تعیین تکلیف زوجه است، طبیعی است که اگر در ایام عده، این علت مرتفع گردید یعنی شوهر حاضر شد فرصت رجوع را دارد.

ب. ماهیت طلاق حاکم (قضایی) در مورد ترک انفاق و عسر و حرج

در سایر مواردی که طلاق به درخواست زن و حکم دادگاه واقع می‌شود، نسبت به باین یا رجعی بودن این طلاق، اختلاف نظر است. برخی این طلاق را طبیعتاً طلاق رجعی می‌دانند مگر اینکه بر یکی از موارد شش‌گانه باین منطبق باشد، یعنی درخواست زن و دخالت دادگاه و حکم او بر طلاق، تأثیری در چگونگی طلاق ندارد، اصل در طلاق، رجعی بودن آن است و به هرگونه که واقع شود، اگر از اقسام شش‌گانه باین نبود، رجعی محسوب و برای شوهر در مدت عده حق رجوع وجود دارد؛ ولی برخی از صاحب نظران عقیده دارند، چنین طلاق باین است، زیرا وقتی اجازه داده می‌شود، زن به دادگاه، رجوع کند و پس از طی مراحل دادرسی و اثبات موضوع پس از مدتی موفق به اخذ حکم طلاق گردد و شوهر به اجبار دادگاه، طلاق دهد و یا در صورت استنکاف او از جانب دادگاه طلاق واقع شود که اگر باز شوهر بتواند رجوع نماید و وضعیت زناشویی را به حال اول درآورد، مراجعه زن به دادگاه و صدور حکم دادگاه پس از طی این مراحل بی‌معنی خواهد بود و حکم قانون لغو و بی‌اثر است.

آیه الله خویی: طلاق حاکم (عسر و حرج) باین است

متأسفانه فقهاء عموماً متعرض این موضوع نشده و از باین رجعی بودن این طلاق سخنی به میان نیاورده‌اند فقط در هنگام بحث از طلاق زوجه غایب مفقود الاثر تصریح کرده‌اند که این طلاق رجعی است. تنها کسی که دیده شده در یک مورد متعرض این مسئله شده آیت الله خوئی است که در مورد طلاق حاکم به لحاظ امتناع شوهر از دادن نفقه، نظر بر باین بودن این طلاق داده است. ایشان در این خصوص می‌فرماید: «هرگاه زوج از دادن نفقه امتناع کند، زوجه به حاکم شرع رجوع می‌کند و حاکم، شوهر را ملزم، به دادن نفقه یا طلاق می‌نماید. اگر شوهر هیچ یک از این دو کار را انجام نداد، «حاکم زن را طلاق می‌دهد، و ظاهر، این است که چنین طلاق باین است و شوهر در ایام عده، حق رجوع ندارد». ایشان، متعرض طلاق دادگاه به لحاظ عسر و حرج نشده‌اند ولی واضح است که فرقی بین این دو مورد وجود ندارد و اگر طلاق به حکم دادگاه در مورد عسر و حرج را صحیح دانستیم، طبیعت آن با طلاق باین که دادگاه به لحاظ امتناع شوهر از دادن نفقه می‌دهد یکسان است.

شایان ذکر است:

۱. وقتی که طلاق به درخواست زوج باشد، دادگاه می‌تواند گواهی عدم امکان سازش صادر کند.
۲. وقتی طلاق به درخواست زوجه باشد، دادگاه می‌تواند حکم الزام زوج به طلاق صادر کند.

دوم: عدّه

عدّه مدت زمانی است که زن پس از طلاق، انقضای یا بذل مدت صیغه و یا پس از فوت شوهر باید صبر نموده و از ازدواج با مرد دیگر خودداری نماید.

۱. زن غیرمدخوله در صورت طلاق، انقضای یا بذل مدت صیغه، عدّه ندارد.

○ زنی که با او نزدیکی نشده است.

○ صغیره: زنی که نه سال او تمام نشده است.

○ یائسه: زن سیده‌ای که شصت سال او تمام شده و غیرسیده‌ای که پنجاه سال او تمام شده است.

۲. عدّه زن مدخوله زنی که شوهر با او نزدیکی نموده است.

○ در صورت عدم حمل: پس از طلاق و فسخ نکاح، سه طهر و پس از انقضای یا بذل مدت

صیغه دو حیض کامل می‌باشد، اگر چه زن عقیم و نازا بوده باشد.

○ در صورت حمل: عدّه تا وضع حمل می‌باشد.

○ عدّه زنی که شوهر او فوت نموده است در ازدواج دائم یا موقت اعم از مدخوله، غیر مدخوله،

یائسه، غیر یائسه و یا صغیره محرمیت حتی اگر زوج طفل بوده باشد در هر صورت چهار ماه

و ده روز می‌باشد اما اگر زن حامله بوده و حمل او بیشتر از چهار ماه و ده روز باشد باید تا

وضع حمل عدّه نگه دارد. زنی که شوهرش غایب مفقود الاثر شده عدّه وفات نگه می‌دارد.

حداقل و حداکثر ایام حیض و طهر

حداقل زمان ابتلاء زنان به حیض ۹ روز و حداکثر آن ۱۱ روز است. زنی که در حالت حیض نیست ایام

پاکی او حداقل طهر ۱۱ روز است.^{۱۰} در صورتی که مدت طهر بیشتر از سه ماه است مثل زنانی است که

در سنی هستند که باید عادت ماهانه ببینند ولی به دلایلی عادت نمی‌شوند، باید سه ماه عدّه نگه دارند.^{۱۱}

زنانی که صغیره و یائسه نیستند ولی به دلایلی مانند عمل جراحی و برداشته شدن رحم یا تخمدان و یا به

هر دلیل دیگر عادت ماهانه نمی‌بینند در صورت طلاق عدّه آنان سه ماه و در انقضای یا بذل مدت صیغه ۳۴

روز می‌باشد.

۱۰. شهید ثانی، شرح لمعه ج یک ص ۳۱ و مسالک الافهام ج یک ص ۱۹۹ تا ۱۹۴ «کما ان اقل الطهر عشره ایام. ولیس اکثره حداقل طهر ده و

اکثرش حدی ندارد» و العروه الوثقی ج ۱ ص ۹۱۳ مسئله ۶.

۱۱. فتوای برخی مراجع مانند آیه الله سیستانی

سوم: ارکان طلاق

۱. طلاق دهنده (مطلق)

۲. زنی که طلاق داده می‌شود (مطلّقه)

۳. صیغه طلاق

۴. استماع عدلین

شرایط مطلقه

۱. در حیض یا نفاس نباشد، طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در نفاس صحیح نیست، مگر اینکه

○ زن حامل باشد

○ طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود

○ شوهر غایب باشد به طوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند. (۱۳۱ ق.م)

نکته: مراعات این حکم در سه دسته از زنان لازم نیست:

○ زنی که پس از ازدواج، با او نزدیکی نشده است

○ زن حامله

○ زنی که همسرش به جهت غایب بودن نمی‌داند وی از خون حیض و نفاس پاک است یا نه.

در این صورت، مرد می‌تواند همسرش را طلاق دهد، هر چند بعدها معلوم شود در حال

حیض یا نفاس بوده است.

۲. طلاق در طهر موقعه نباشد مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد.

نکته: طلاق زن در طهر موقعه در سه صورت صحیح است:

○ یائسه باشد

○ صغیره باشد

○ حامله بوده باشد.

۳. زوجه باشد: زنی که طلاق داده شده باید زوجه طلاق دهنده باشد. بنابراین، بر طلاق کنیزی که با

تملک بر فرد حلال شده و نیز زن اجنبی اثری مترتب نیست. همچنین است اگر طلاق زنی را بر

ازدواج با او معلق کند، مانند آنکه بگوید: اگر با فلان زن ازدواج کنم او را طلاق داده‌ام.^{۱۲}

۱۲. جواهر الکلام، ج ۹۱، ص ۱۸.

۴. دائمی باشد: زنی که طلاق داده می‌شود باید همسر دائمی طلاق دهنده باشد. بنابر این، زنی که به عقد موقت کسی درآمده است طلاق ندارد، بذل مدت دارد.^{۱۳}

شرایط طلاق دهنده

بالغ، عاقل، مختار و قاصد باشد؛ بنابراین طلاق دادن بچه، دیوانه، کسی که مجبور به طلاق شده و کسی که قاصد نیست باطل است.

شهود و معرفین در طلاق

طبق ماده ۱۱۹۳ قانون مدنی، طلاق باید به صیغه‌ی طلاق و در حضور حداقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد. ریشه فقهی دو شاهد عادل آیه یکم سوره طلاق است «...وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ...»^{۱۴}

در دفتر و سند طلاق چهار شاهد و دو معرف در نظر گرفته شده است، زیرا طبق ماده ۱ نظامنامه ثبت ازدواج و طلاق، برای اینکه سند ازدواج و طلاق سند رسمی محسوب شوند لازم است علاوه بر سایر شرایط مذکور در نظامنامه، به امضا اشخاص ذیل برسد:

۱. زن و شوهر در سند ازدواج - شوهر در طلاقنامه
۲. مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق
۳. امضای دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند مجموعاً دارای الاقل ۶ امضا باشد

عدالت شهود

فقها دو دیدگاه درباره عدالت شهود دارند:

۱. عدالت واقعی: هر دو شاهد، در واقع عادل باشند، یعنی عدالت واقعی و نفس‌الأمری داشته باشند. در این صورت اگر بعداً معلوم شود زمانی که طلاق جاری شده، یک شاهد یا هر دو عدالت نداشته‌اند، طلاق باطل است.
۲. عدالت ظاهری برای هر دو شاهد کافی است؛ در این صورت اگر بعداً معلوم شود که در زمان جاری شدن طلاق، یک شاهد یا هر دو عدالت نداشته‌اند، طلاق صحیح خواهد بود.

۱۳. جواهر الکلام، ج ۹۱، ص ۱۳. مهذب الاحکام، ج ۱۶، ص ۱۶.

۱۴. و دو تن عادل از خودتان را به شهادت گیرید و برای خدا شهادت را به راستی ادا کنید.

به نظر بسیاری از فقها عدالت ظاهری کافی است، چرا که مشروط کردن طلاق به عدالت واقعی، تکلیف «بما لایطاق» و فوق قدرت مکلف است، زیرا علم به عدالت واقعی و احراز آن، امری بس مشکل و دارای عسر و حرج است و فقط خداوند و برخی خواص به آن آگاه هستند. به علاوه، نتیجه این شرط آن است که اکثر طلاق‌ها به صورت صحیح واقع نشود.

چهارم: ثبت طلاق

مدارک لازم برای ثبت طلاق

۱. دادنامه (گواهی عدم سازش و یا حکم)
۲. گواهی قطعیت و اصالت دادنامه (عندالزوم)
۳. شناسنامه عکس‌دار زوجین و کارت ملی با کپی آنها
۴. سند ازدواج (در صورت نبودن رونوشت سند ازدواج)
۵. گواهی تست بارداری (به استثنای طلاق بائن غیرمدخوله و یائسه)
۶. تکمیل فرم اطلاعاتی زوجین (شغل، تحصیلات، آدرس، شماره تلفن و یا همراه، جهت تکمیل ثبت اولیه در سامانه)
۷. اقرارنامه کتبی طهر غیرمواقعه (به استثنای طلاق بائن غیرمدخوله و یائسه)
۸. در صورت وجود وکیل (کپی مصدق وکالتنامه و دفترچه وکالت مخصوصاً صفحه اعتبار)^{۱۵}
۹. پوشه و گیره
۱۰. صورت جلسه طلاق رجعی و گواهی اسکان در طلاق رجعی

۱. ثبت طلاق رجعی

طلاق رجعی به سه نوع قابل ثبت است:

- الف. (توافقی) گواهی عدم امکان سازش
- ب. (توسط زوج) گواهی عدم امکان سازش
- ج. (توسط زوجه با عسر و حرج) حکم طلاق یا همان الزام به طلاق

۱۵. دقت شود دفترچه وکلا هر سال یا بعضاً هر دو سال یکبار توسط کانون وکلا یا مرکز مشاوران حقوقی قوه قضاییه تمدید می‌شود. در صورت عدم اعتبار یا عدم تمدید دفترچه وکالت، سردفتر نمی‌تواند امضای وکیل دادگستری را از جانب یکی از زوجین اخذ نماید، زیرا قانون در این صورت وکالت وکیل را به رسمیت نمی‌شناسد.

الف- توافقی: زوجین هر دو حاضر هستند و توافق به طلاق نموده‌اند و با اخذ گواهی از دادگاه به

دفتر مراجعه نموده‌اند. سردفتر طبق مراحل زیر اقدام به ثبت می‌کند.

۱. اخذ گواهی عدم سازش و گواهی قطعیت و بررسی اصالت آن
۲. اخذ گواهی عدم بارداری از پزشک معتبر
۳. اخذ گواهی اصالت در صورت مشکوک بودن
۴. اخذ شناسنامه عکسدار زوجین با کپی تمام صفحات و کپی کارت ملی پشت و رو
۵. تفهیم طهر غیرموقعه به زوجه و اخذ اقرار کتبی به طهر غیرموقعه
۶. تفهیم مراحل صورت جلسه طلاق به زوجین
۷. بررسی حقوق حقه زوجه و چگونگی پرداخت آن
۸. دعوت از زوجین و شهود عدلین و معرفی در یک جلسه جهت تنظیم صورت جلسه
۹. ثبت مشخصات زوجین و شهود و معرفی و سایر موارد و قید موارد شرح قرارداد در صورت جلسه
۱۰. اخذ و تحویل حقوق حقه زوجه به خودش و اخذ رسید و امضای زوجین
۱۱. اخذ وکالت از زوج جهت اجرای صیغه
۱۲. امضا و مهر صورت جلسه و بایگانی آن
۱۳. اعلام طلاق به دفتر ازدواج پس از ثبت (به موجب بند ۱۳۳ بخشنامه ثبتی)

فرض‌های ممکن در ثبت طلاق رجعی

- ۱) اگر زوج در ایام عده مراجعه و اعلام رجوع نماید، سردفتر مراتب رجوع را در صورت جلسه قید و به امضای زوج می‌رساند و مراتب رجوع را به زوجه اطلاع و صورت جلسه را ابطال می‌کند.
- ۲) اگر عده تمام شود و رجوع محقق نشود، زوجین متفقاً مراجعه و با ارائه گواهی کتبی اسکان، تقاضای ثبت طلاق می‌کنند و سردفتر نسبت به تکمیل صورت جلسه و ثبت در دفتر طلاق اقدام می‌نماید. در این مورد لازم نیست که شهود و معرفی قبلی را حتماً بیاورند، می‌توانند افراد دیگری بیاورند.
- ۳) اگر عده تمام شود و رجوع محقق نشده باشد و زوجین هر دو بعد از سپری شدن عده در موعد مقرر مراجعه نکنند، با یکبار اخطاریه دعوت به عمل می‌آید، اگر حاضر شدند ثبت تکمیل می‌شود و الا مراتب عدم حضور به شعبه مربوطه اعلام و کسب تکلیف خواهد شد.

۴) زوج حاضر و با ارائه گواهی اسکان تقاضای ثبت می‌کند، ولی زوجه حاضر نیست، در این مورد یک بار طی اخطاریه از زوجه دعوت می‌شود، در صورت حضور زوجه مدارک را امضا می‌کند و الا اگر حاضر نشود صورت جلسه تکمیل و طلاق بدون حضور زوجه ثبت و مراحل ثبت به اطلاع زوجه می‌رسد.

۵) زوجه حاضر و با ارائه گواهی اسکان تقاضای ثبت می‌کند ولی زوج حاضر نشده است، یکبار طی اخطاریه از زوج دعوت بعمل می‌آید اگر حاضر نشد مراتب عدم حضور زوج به شعبه مربوطه اعلام و کسب تکلیف خواهد شد.

ب. (توسط زوج) طلاق به درخواست زوج که منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش خواهد شد. در صورت حضور زوجین به شرحی که در بالا ذکر شد عمل می‌شود و در صورت غایب بودن زوجه و وکیل وی به این ترتیب انجام می‌شود:

۱. سردفتر مدارک لازمی که در بند الف گفته شد به جز ردیف ۹ و ۶ از زوج اخذ و گواهی عدم سازش را در دفتر اندیکاتور ثبت و گواهی تائید به زوج تحویل می‌شود.

۲. تنظیم اخطاریه در نوبت اول و ارسال به زوجه اگر در موعد مقرر حاضر نشود مجدداً اخطاریه دوم ارسال می‌گردد باز اگر حاضر نشد اقدام به تنظیم صورت جلسه طلاق می‌نماید (اخطاریه‌ها باید ابلاغ واقعی شوند).

۳. احتساب حقوق حقه زوجه و تحویل به زوجه (اگر مهریه طلا یا سکه باشد سردفتر نمی‌تواند تحویل بگیرد، زوج بایستی تمامی آن را به اجرای احکام شعبه مربوطه تحویل و گواهی مربوطه را به دفتر تحویل دهد؛ اما اگر وجه نقد باشد می‌توان در یک حساب امانی که سردفتر معرفی می‌کند واریز و فیش مربوطه را به دفتر تحویل دهد.

۴. ثبت مشخصات زوجین و شهود و معرفین و سایر موارد در صورت جلسه

۵. امضای شهود و معرفین و زوج در صورت جلسه

۶. اخذ وکالت برای اجرای صیغه طلاق از زوج

۷. امضا و مهر صورت جلسه و بایگانی

ج. (توسط زوجه با عسر و حرج) حکم طلاق یا همان الزام به طلاق

یکی از موارد نادر است که زوجه سال‌ها قبل مهریه خود را از زوج اخذ کرده باشد اکنون با عسر و حرج تقاضای طلاق نماید و دادگاه زوج را الزام به طلاق با نوع رجعی نماید.

اگر زوجین حاضر باشند به شرح ذکر شده در بند الف طلاق ثبت می‌شود اگر زوجه حاضر و زوج غایب باشد به شرح ذیل انجام می‌شود:

اخذ مدارک لازم از زوجه و ثبت گواهی در دفتر اندیکاتور و گواهی تأیید به زوجه. اگر زوجه وکالت طلاق داشته باشد دعوت از زوج نیاز نیست. صورت جلسه تنظیم می‌شود و الا طی دو مرحله اختطاریه احضار به زوج داده می‌شود، اگر حاضر نشد و عذر هم نیاورد، صورت جلسه تنظیم می‌شود، منتهی بایستی تبصره ماده ۹۹ در حکم اعمال شود؛ اگر زوج اعلام عذر نمود برای بار سوم اختطاریه ارسال می‌شود. سپس در صورت عدم حضور صورت جلسه تنظیم می‌شود.

چند نکته

* در تمامی مراحل الف، ب و ج در شرح قرارداد چگونگی مهریه، نفقه، نحله و جهیزیه زوجه قید و اگر اولاد داشته باشند نحوه حضانت و هزینه آن و تعیین تکلیف ملاقات قید می‌شود. اگر زوجه حامله باشد آن وقت مراتب بارداری زوجه در صورت جلسه قید می‌شود. با عنایت به اینکه تکلیف نفقه فرزند طبق قانون با زوج است همچنین حضانت فرزند تا ۸ سالگی با مادر است چنانچه هریک از زوجین نسبت به این دو موضوع ادعای خلاف داشته باشند باید خواسته خود را طی دادخواست در دادگاه مطرح نمایند. در هر صورت رسیدگی به این دو موضوع در صلاحیت دادگاه است، نه سردفتر. اگر مهریه اقساطی باشد نحوه اقساط قید و قبوض اقساطی مربوطه تنظیم و به امضای زوج می‌رسد.

* اگر در احضار زوجه، سردفتر نتواند از حال شرعی زوجه اطلاع حاصل کند و یا زوج نیز نتواند حال شرعی همسرش را به سردفتر اطلاع دهد سردفتر احتیاطاً صیغه طلاق را در دو مرحله و به فاصله ده روز اجراء و موارد را در صورت جلسه قید می‌کند و این ده روز اضافی در احتساب عده محاسبه می‌شود.

* اگر در حین عده یکی از زوجین فوت نماید و دیگری به دفتر اطلاع دهد با اخذ برگ فوت در صورت جلسه، فوت آن فرد قید و صورت جلسه ابطال و عده زوجه به عده وفات تبدیل می‌شود و عده از روز اطلاع زوجه از فوت زوج (چهار ماه و ده روز) محاسبه می‌شود.

* برای اجرای صیغه طلاق حضور ۱ نفر شاعد عادل الزامی است منتهی اگر سردفتر نتوانست عدالت شهود را احراز کند مجبور است صیغه طلاق را در مسجد و یا حوزه علمیه یا در حضور دو نفر شاهد عادل دیگر اجرا کند یا کسی را از طرف خود توکیل کند تا این کار را انجام دهد (البته برای توکیل غیر باید هنگام گرفتن وکالت از زوج عنوان کند که حق توکیل غیر را داشته باشد).

صیغه طلاق رجعی

طلاق باید منجز باشد و به تعلیق قبول نیست. طلاق از ایقاعات است و قبول نمی‌خواهد و می‌توان اصالتاً و یا وکالتاً در حضور دو نفر شاهد عادل با رعایت شرائط شرعی زوجه اجرا نمود. سردفتر حین اجرا با صلواتی نظر شهود عدلین را به استماع جلب می‌کند: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ. سردفتر اسامی زوجین و مقدار مهریه پرداختی را دوبار اعلام می‌کند، سپس بلافاصله صیغه طلاق را جاری می‌کند.

اَسْتَغْفِرُاللهَ رَبِّيَّ وَ اَتُوْبُ اِلَيْهِ، طلاق دهنده آقای...، طلاق داده شده خانم...، مهریه پرداختی ...

۱. صیغه طلاق رجعی زمانی که زوج به مجری صیغه، وکالت می‌دهد:

«زَيْنَبُ زَوْجَةُ مُوَكَّلِيْ اِحْمَدِ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلِيٌّ كِتَابِ اللهِ وَ سَنَةِ رَسُوْلِهِ (ص)»

۲. صیغه طلاق رجعی زمانی که وکیل زوج به مجری صیغه، وکالت می‌دهد:

الف: اگر وکیل زوج مرد باشد

«زَيْنَبُ زَوْجَةُ مُوَكَّلِيْ اِحْمَدِ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلِيٌّ كِتَابِ اللهِ وَ سَنَةِ رَسُوْلِهِ (ص)»

ب: اگر وکیل زوج زن باشد

«زَيْنَبُ زَوْجَةُ مُوَكَّلِيْ اِحْمَدِ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلِيٌّ كِتَابِ اللهِ وَ سَنَةِ رَسُوْلِهِ (ص)»

۳. صیغه طلاق رجعی زمانی که ولی زوج به مجری صیغه وکالت می‌دهد:

«زَيْنَبُ زَوْجَةُ اِحْمَدِ بِوَكَاَلَةِ وِلِيِّهِ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلِيٌّ كِتَابِ اللهِ وَ سَنَةِ رَسُوْلِهِ (ص)»

۴. اگر زوجه با حکم دادگاه طلاق می‌خواهد و زوج غائب است چگونه صیغه طلاق در رجعی یا

خلع یا مبارات اجرا می‌شود.

«زَيْنَبُ زَوْجَةُ اِحْمَدِ عَنِ قِبَلِ الْحَاكِمِ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلِيٌّ كِتَابِ اللهِ وَ سَنَةِ رَسُوْلِهِ (ص)»

۲. ثبت طلاق خلع و مبارات

الف: خلع توافقی

زوجین هر دو با هم تقاضای طلاق خلعی دارند و زوجه بر اثر تنفر شدید از زوج مبلغی را در قبال طلاق به زوج بذل می‌نماید (بذل تمام یا قسمتی از مهریه یا نفقه و...) توافقی که زوجین هر دو حاضر و توافق

به طلاق نموده‌اند و با اخذ گواهی از دادگاه به دفتر مراجعه نموده‌اند که سردفتر طبق مراحل زیر اقدام به ثبت می‌کند.

در گواهی عدم امکان سازش (توافقی) در صورتی که زوج غایب باشد به موجب رأی مشورتی شماره ۸۰۶/۹۳/۷ مورخ ۹۳/۸/۴ گواهی از درجه اعتبار ساقط می‌گردد ولی در صورتی که زوجه غایب باشد مستند به ماده ۳۵ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۹۲ و رأی مشورتی (شماره ۲۴۲۰/۹۲/۷ مورخ ۹۲/۱۲/۱۹) ظرف یک هفته به زوجه اخطار واقعی و قابل ثبت است، در این خصوص عده‌ای معتقدند زوجه در دادگاه رسماً و کتباً بذل را انجام داده نیازی به دادن وکالت نیست، برخلاف وکالت طلاق که الزام دارد. در واقع بذل در دادگاه انجام شده و فقط اجرای طلاق و ثبت آن موکول به دفترخانه می‌شود به همین دلیل بنا بر ماده ۳۵ اگر زوجه حاضر نشود، زوج می‌تواند ثبت کند. در مقابل، عده‌ای نیز می‌گویند در صورت غیبت زوجه طلاق مذکور فقط در صورت داشتن وکالت بذل توسط زوج قابل ثبت است و در غیر این صورت زوج باید کلیه حقوق زوجه را پرداخت و با استعلام از شعبه طلاق به رجعی تبدیل می‌گردد که به نظر می‌رسد بنا بر صراحت و عدم مشروط کردن طلاق در ماده ۳۴ و استناد رأی مشورتی مذکور نظر اول به صواب نزدیک‌تر است.

ب. گواهی عدم امکان سازش (وکالتی)

زوج به زوجه در دفتر اسناد رسمی وکالت در طلاق داده است یا از وکالت ضمن عقد استفاده می‌کند در این حال دادگاه گواهی عدم امکان سازش با وکالت خود زوجه صادر می‌کند که با ارائه زوجه به دفتر بدون اخطار به زوج قابل ثبت است و زوجه به جای زوج امضا و قبول بذل می‌نماید.

اگر در حکم قید شود که در صورت عدم حضور زوج با وکالت ثبت شود آنگاه با دو بار اخطاریه به زوج و در صورت عدم حضور با استفاده از وکالت زوجه طلاق ثبت می‌شود و طلاق به اطلاع زوج می‌رسد.

ج: حکم طلاق یا الزام به طلاق

اگر زوجه وکالت نداشته باشد و طلاق به اذن حاکم و با اخذ حکم از دادگاه به دلیل عسرو حرج با بذل مهریه خود صورت گرفته باشد و زوج یا وکیل وی حاضر نباشد دو بار به زوج اخطاریه ارسال در صورت عدم حضور با استفاده از تبصره ماده ۳۳، طلاق به اذن حاکم ثبت می‌شود و ثبت طلاق به اطلاع زوج می‌رسد. اگر در مورد ذکر شده زوج مفقود الاثر و یا مجهول‌المکان باشد یکبار اخطاریه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر و سپس قابل ثبت است (تبصره ماده ۳۳) سپس ثبت طلاق نیز از طریق روزنامه به زوج ابلاغ می‌شود.

در تمامی مراحل طلاق خلعی و مبارات در شرح قرارداد چگونگی بذل مهریه، نفقه، نحله و جهیزیه زوجه قید و اگر اولاد داشته باشند نحوه حضانت، هزینه آن و تعیین تکلیف ملاقات وفق مندرجات دادنامه قید می‌شود. اگر زوجه حامله باشد آن وقت باید مراتب در شرح طلاق نوشته شود و تعیین تکلیف حضانت فرزند مذکور و نفقه آن در قانون پیش‌بینی شده است. چنانچه یکی از زوجین ادعای خلاف آن را داشته باشد باید از طریق دادگاه اقامه دعوی کند. اگر مهریه با حکم اعسار یا به طور توافقی اقساطی باشد نحوه اقساط قید و قبوض اقساطی مربوطه که به امضای زوج رسیده تنظیم شود.

ثبت طلاق مبارات همانند طلاق خلعی است فقط تنفر از هر دو طرف است و مال بذل شده نباید از مهریه بیشتر باشد و نوع طلاق مبارات است.

رجوع به مابذل

در طلاق خلع و مبارات حق رجوع به مابذل برای زوجه و سپس حق رجوع به زوجیت برای زوج محفوظ است اگر زوجین در ایام عده حاضر و قصد رجوع داشته باشند، زوجه با تقاضای کتبی به مهریه مبذوله خود رجوع و زوج نیز به عقد سابق خود برمی‌گردد و مراتب در ملاحظات سند و دفتر قید و در شناسنامه زوجین ثبت می‌گردد و مراتب به شعبه مربوطه و دفتر ازدواج آنها اعلام و در سامانه ثبت می‌شود.

اگر زوجه به تنهایی به مهریه مبذوله خود رجوع نماید مراتب در ملاحظات سند قید و طی اخطاریه به زوج اعلام می‌شود. اگر زوج هم حاضر و قصد رجوع داشته باشد رجوع به زوجیت ثبت و به شعبه مربوطه و دفتر ازدواج آنها اعلام می‌شود، اگر حاضر نشد فقط رجوع به مابذل که در دفتر ثبت شده باقی و فقط به دفتر ثبت ازدواج اطلاع داده می‌شود.

صیغه طلاق خلع و مبارات:

طلاق باید منجز باشد و به تعلیق قبول نیست. طلاق از ایقاعات است و قبول نمی‌خواهد و می‌توان اصالتاً یا وکالتاً در حضور دو نفر شاهد عادل با رعایت شرایط شرعی زوجه اجرا نمود.

سردفتر حین اجرا با صلواتی نظر شهود را به استماع جلب می‌کند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». سپس اسامی زوجین و مقدار مهریه پرداختی را اعلام می‌کن و بلافاصله صیغه طلاق را جاری می‌کند. «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ» طلاق دهنده آقای... طلاق داده شده خانم.... مقدار مبلغ بذل شده ...

الف: صیغ طلاق خلعی:

۱. اگر مرد و زن خودش بخواند:

زن بگوید: «بَدَّلْتُكَ مَهْرِي لِتَخْلَعَنِي عَلَيْهِ وَ لِتَطْلُقَنِي بِهِ»

مرد بگوید: «قَبِلْتُ الْبَدْلَ زَوْجَتِي فَاطِمَةَ خَالَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ هِيَ طَالِقٌ هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْهُ هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً عَلَيَّ
کتاب اهلل و سنة رسوله (ص)»

۲. اگر شوهر از طرف زن وکیل باشد «بَدَّلْتُ مَهْرَ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ لِنَفْسِي لِأَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَ لِأَطْلُقَهَا بِهِ»

«قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِنَفْسِي فَاطِمَةَ زَوْجَتِي خَالَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ هِيَ طَالِقٌ هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْهُ هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً عَلَيَّ
الله و سنت رسوله ص»

۳. زوجه حاضر و از طرف زوج وکیل است و به مجری وکالت می دهد: «عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَّلْتُ تَمَامًا،
(نصف، ربع، بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلَتِي حَسَنَ زَوْجِهَا لِأَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَ أُطْلِقَهَا بِهِ قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلَةٌ حَسَنُ
فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ مُوَكَّلَتِي حَسَنَ خَالَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ هِيَ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْهُ هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً عَلَيَّ
کتاب الله و سنت رسوله ص»

۴. زوجین هر دو مجری را وکیل نموده اند:

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَّلْتُ (تَمَامًا، نِصْفًا، رُبْعًا، بَعْضًا) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي حَسَنَ زَوْجِهَا لِأَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَ أُطْلِقَهَا بِهِ
قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِمُوَكَّلِي حَسَنَ (فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ مُوَكَّلِي حَسَنَ خَالَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ هِيَ طَالِقٌ هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَتْهُ هِيَ طَالِقٌ
مَرَّةً عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ رَسُولِهِ ص»

۵. زوجین هر دو وکیل مرد دارند

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي فَاطِمَةَ بَدَّلْتُ (تَمَامًا، نِصْفًا، رُبْعًا، بَعْضًا) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي حَسَنَ زَوْجِهَا لِأَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَ
أَطْلَقَهَا بِهِ قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِمُوَكَّلِي حَسَنَ فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ مُوَكَّلِي حَسَنَ خَالَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ فَهِيَ طَالِقٌ هِيَ
طَالِقٌ طَلَّقَتْهُ هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ رَسُولِهِ ص»

اگر وکیل زن داشته باشند به جای «مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي» «مُوَكَّلَةٌ مُوَكَّلَتِي» و به جای «مُوَكَّلِي مُوَكَّلِي» «مُوَكَّلِي
مُوَكَّلَتِي» خوانده می شود.

۶. زوجه محجور و ولی دارد و زوج مادرش را وکیل و مادر برادرش را وکیل و او هم مجری را وکیل نموده.

فاطمه زوجه موكل موكلة موكلى بوكالة وِليهِ بَدَلْتُ (تمام، نصف، ربع، بعض) مَهْرَهَا لِمُوكَلِّ موكلة موكلى حَسَنُ زوجها لِاخْلَعِهَا عَلَيْهِ وَ اَطْلَقَهَا بِهِ قَبْلْتُ الْبَدْلَ لِمُوكَلِّ موكلة موكلى حَسَنُ فاطمة زوجه موكل موكلة موكلى بوكالة و ليها خالعتها على ما بَدَلْتُ هِيَ طالق هِيَ طالق طَلَقَةً، هِيَ طالق مَرَّةً على كتاب الله و سنت رسوله ص»

۸- زوجین محجور و ولی دارند: فاطمه زوجه حسن بوكالة و ليها بَدَلْتُ (تمام، نصف، ربع، بعض) مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا حَسَنُ لِاخْلَعِهَا عَلَيْهِ وَ اَطْلَقَهَا بِهِ قَبْلْتُ الْبَدْلَ لِحَسَنِ بوكالة و ليها فاطمة زوجه حسن بوكالة و ليها خالعتها على ما بَدَلْتُ هِيَ طالق هِيَ طالق طَلَقَةً، هِيَ طالق مَرَّةً على كتاب الله و سنت رسوله ص»

۳- زوج غائب و زوجه باذن حاکم: «فاطمه زوجه حَسَنُ بَدَلْتُ (تمام، نصف، ربع، بعض) مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا حَسَنُ عَنْ قَبْلِ الْحَاكِمِ لِاخْلَعِهَا عَلَيْهِ وَ اَطْلَقَهَا بِهِ قَبْلْتُ الْبَدْلَ لِمُوكَلِّ موكلة موكلى حَسَنُ عَنْ قَبْلِ الْحَاكِمِ فاطمة زوجه حَسَنُ عَنْ قَبْلِ الْحَاكِمِ خالعتها على ما بَدَلْتُ فَهِيَ طالق هِيَ طالق طَلَقَةً، هِيَ طالق مَرَّةً على كتاب الله و سنت رسوله ص»

در طلاق نوبت اول «مره»، در نوبت دوم «مرتین» و در نوبت سوم «ثلاث مره» بیان می شود.

ب. صیغه طلاق مبارات

صیغه مبارات مانند خلع است فقط به جای «لاخلعها» «لابارئها» و به جای «خالعتها» «بارئتها» گفته می شود. اگر شوهر از طرف زن وکیل باشد «بَدَلْتُ مَهْرَ موكَلَّتِي فاطمة لِنَفْسِي لِابَارِئِهَا عَلَيْهِ وَ لِاطْلَقَهَا بِهِ قَبْلْتُ الْبَدْلَ لِنَفْسِي فاطمة زَوْجَتِي بَارِئِهَا على ما بَدَلْتُ هِيَ طالق هِيَ طالق طَلَقَةً، هِيَ طالق مَرَّةً على كتاب الله و سنت رسوله ص»

در طلاق خلع و مبارات بهتر است بعد از صیغه بذل قبول بذل نیز خوانده شود چنانچه شاهد هستیم که بعضی از مجریان صیغه طلاق قبول بذل را نمی خوانند.

به جای عبارت «لِاخْلَعِهَا وَ لِاطْلَقَهَا» می تواند بگوید «لِيَخْلَعَهَا وَ يُطَلِّقَهَا» و بجای «خالعتها على ما بَدَلْتُ» بگوید «مُخْتَلِعَةً على ما بَدَلْتُ» یا در مبارات به جای «لابارئها و اطلقها» بگوید «لِيُبَارِئَهَا وَ يُطَلِّقَهَا» و ب جای «بارئتها على ما بَدَلْتُ» بگوید «مُبَارِئَةً على ما بَدَلْتُ»

در طلاق خلع اگر زوجیه وکیل او حاضر نباشد و وکالت بذل ندهد اجرای صیغه طلاق مقدور نیست. بنا بر نظر عده‌ای با توجه به اینکه در واقع بذل در دادگاه انجام شده در صورت عدم حضور زوجه سردفتر می‌تواند طلاق را ثبت و به اطلاع زوجه برساند (الله اعلم).

۳. ثبت طلاق غیر مدخوله و یائسه

مراحل ثبت همانند شیوه ثبت طلاق خلع و مبارات است که توضیح داده شد، فقط نوع طلاق فرق می‌کند صیغه طلاق در غیرمدخوله و یائسه هیچ تفاوتی با خلع و مبارات ندارد مگر اینکه زوجه تمام حق و حقوق خود را دریافت کرده باشد که در این صورت صیغه طلاق همانند صیغه طلاق رجعی خوانده می‌شود.

در غیر مدخوله، زن مستحق نصف مهریه و در یائسه مدخوله، مستحق تمام مهر است که یا تمام آن یا بعض آن را بذل می‌کند. در این نوع طلاق‌ها زوجه عده ندارد و اخذ تست بارداری و یا اقرار کتبی طهر غیرموقعه نیازی نیست و در مورد اخذ گواهی بکارت در غیر مدخوله دفترخانه وظیفه‌ای ندارد فقط شعبه مربوطه اخذ می‌نماید.

۴. امور مالی و غیر مالی زوجه در ثبت طلاق

در ماده ۲۹ ق ح خ مصوب سال ۹۲ به صراحت تعیین تکلیف امور مالی و غیرمالی زوجه من جمله مهریه، نفقه، حضانت فرزندان، جهیزیه و.. توسط دادگاه ضمن رأی اشاره شده است.

۵. گواهی بارداری

ماده ۳۱ ق ح خ مصوب ۹۱ ارائه گواهی پزشک ذی‌صلاح در مورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند.

طبق ماده ۵۹ آیین‌نامه اجرایی ق ح خ مصوب ۹۱ سردفتر طلاق مکلف است گواهی معتبر پزشک متخصص یا پزشک قانونی در مورد وجود یا عدم جنین از متقاضی اخذ و مفاد آن را در سند و دفتر ثبت طلاق ذکر کند. چنانچه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند، درج اقرار آنها در سند طلاق و ثبت دفتر الزامی است.

در مورد مهلت و اعتبارگواهی مذکور با توجه به فاصله بین صدور حکم و ثبت طلاق و احتمال باردار شدن زوجه رویه واحدی در کشور بین دفاتر وجود ندارد و متاسفانه تفاسیر و رویه‌ها شخصی است و از نواقص ماده قانونی مذکور است و در صورتی که تست بارداری مثبت باشد و زوجین بر نفقه و حضانت

فرزند توافق داشته باشند طبق ماده ۵۹ مثبت بودن بارداری و توافق آنها در سند طلاق و دفتر، ثبت می‌گردد. در صورت عدم توافق مراتب از شعبه استعلام می‌گردد.

لازم به ذکر است گواهی بکارت که باکره بودن یا باکره نبودن زوجه در آن درج می‌گردد اصولاً توسط دادگاه از پزشک قانونی استعلام می‌شود و در امور اداری دفاتر طلاق کاربردی ندارد.

۶. قبوض اقساطی

در مواردی که ضمن عقد ازدواج و اجرای طلاق بین زوج و زوجه قراردادی بسته می‌شود که وجهی به طور اقساطی تأدیه شود. سردفتران مکلفند برای پرداخت اقساط از قبوض اقساطی رسمی مانند سایر دفاتر اسناد رسمی استفاده نمایند. قبوض اقساطی، اوراق بهادار کوپنی‌شکلی هستند که دارای شماره سریال قرمز رنگ بوده و از اداره ثبت محل تهیه و در یک نسخه تنظیم می‌گردد و با امضاء زوج و سردفتر تحویل زوجه می‌گردد تا هنگام تأدیه اقساط تحویل زوج گردد و در صورت عدم تأدیه توسط زوج، زوجه نسبت به آن اجرائیه صادر می‌کند. این قبوض در مواردی که مهریه زوجه اقساطی باشد در شرح طلاق با ذکر شماره سریال قبوض درج می‌گردد. موضوع قبوض اقساطی هر نوع مهریه اعم از وجه نقد و سکه و... است که به صورت اقساطی مشخص شده باشد. در موارد سکه یا ... به جای پول تعداد سکه یا ... را در قبوض ذکر می‌کنیم. اگر زوجین قبوض را امضا نکنند سردفتر موظف است قبل از ثبت امور مالی را حل و فصل و سپس طلاق را ثبت کند. در مواردی که زوج غایب است و به ندرت اتفاق می‌افتد که زوجه با اخذ مهریه به طور اقساط طلاق بگیرد ظاهراً حکم می‌دهند زوجه حق مطالبه مهریه را دارد ولی اگر به تقسیط بدهند اگر زوجه وکالت طلاق داشته باشند قبوض را وکالتاً از طرف زوج امضا می‌کند، به شرطی که در وکالت‌نامه به این موضوع (حق امضای قبوض اقساطی و امور مالی مربوط به زوجیت) اشاره شده باشد.

۷. دادنامه و مهلت ثبت

الف. مهلت آراء صادره از دادگاه خانواده جهت ثبت طلاق

مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش جهت تسلیم به دفتر طلاق سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است. اگر در این مدت به دفتر تسلیم نشود یا ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم در دفتر حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه نکند از درجه اعتبار ساقط است. (ماده ۳۴ ح خ مصوب ۹۲) و یا در طلاق توافقی به حکم قانون از درجه اعتبار ساقط شود کلیه توافقات در گواهی ملغی می‌شود (ماده ۳۳ ح خ مصوب ۹۲) مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت

فرجام‌خواهی است. فرجام‌خواهی یعنی درخواست بررسی حکم طلاق در دیوان عالی کشور پس از رسیدگی در دادگاه تجدید نظر، پس اگر جمعاً مدت زمان تجدیدنظر و واخواهی و فرجام‌خواهی را در نظر بگیریم و هر کدام دو روز ابلاغ و اقدام را اضافه کنیم جمعاً ۶۶ روز می‌شود. نکته دیگر اینکه در ماده ۳۴ منظور از قطعیت رأی و ابلاغ رأی قطعی این است که در قطعیت رأی، رأی در دادگاه بدوی قطعی اعلام می‌شود و طرفین دعوی دیگر حق اعتراض به رأی را نخواهند داشت؛ به عبارت دیگر رأی در همان مرحله بدوی قابل اجرا خواهد بود، بدون آنکه قابل تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی قرار گرفته باشد مثال وقتی خواننده دعوی اقرار به خواسته خواهان می‌کند در این صورت رأی صادره حضوری و قطعی اعلام می‌شود.

شایان ذکر است هم گواهی عدم امکان سازش، هم حکم طلاق قابل فرجام‌خواهی هستند، اما چرا در مواد مذکور به فرجام‌خواهی گواهی عدم امکان سازش اشاره نشده و قطعیت و ابلاغ رأی قطعی سخن گفته محل تأمل است.

ب. ابلاغ رأی قطعی

ابلاغ رأی قطعی برعکس مورد قبل است یعنی رأی در مرحله بدوی مورد تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی قرار گرفته و قطعی شده است؛ به عبارتی رأی مرحله بدوی، تجدیدنظر و فرجام را پشت سر گذاشته و قطعی گردیده است.

ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی قانون ح خ مصوب ۹۳:

چنانچه زوج در دفترخانه حاضر شود و گواهی عدم امکان سازش را در مهلت سه‌ماهه تسلیم کند ولی از جهت پرداخت حقوق مالی زوجه اظهار عجز نماید و گواهی مبنی بر ارائه دادخواست اعسار و تقسیط به دادگاه صالح را در مهلت مذکور به دفترخانه تحویل دهد، اعتبار گواهی عدم امکان سازش تا تعیین تکلیف اعسار به قوت خود باقی خواهد ماند.

دو نکته از ماده ۲۰

۱. دقت کنید ماده ۲۰ می‌گوید گواهی (نه دادنامه اعسار و تقسیط) مبنی بر ارائه دادخواست اعسار و تقسیط به دادگاه صالح را در مهلت مذکور به دفترخانه تحویل دهد.

۲. در بند آخر ماده ۲۰ گفته شده است که اگر خواهان، گواهی ارائه دادخواست اعسار را در مهلت مقرر به دفترخانه ارائه دهد، اعتبار گواهی عدم امکان سازش تا تعیین تکلیف اعسار به قوت خود باقی است؛

یعنی اگر صدور دادنامه اعسار و تقسیط یک سال هم طول بکشد، گواهی عدم امکان سازش اعتبار دارد. منظور از گواهی در ماده ۲۰ آن است که شعبه رسیدگی کننده به پرونده اعسار و تقسیط مراتب تشکیل پرونده اعسار را که در حال رسیدگی است بنا به تقاضای زوج جهت ارائه به دفتر طلاق صادر می‌کند. مثلاً گواهی می‌شود آقای در مورخه دادخواست اعسار و تقسیط مهریه تقدیم دادگاه نموده است که تحت کلاسه در این شعبه در جریان رسیدگی است.

ماده ۲۱ آیین نامه اجرایی ق ح خ مصوب سال ۹۳:

چنانچه زوجه برای اجرای گواهی عدم امکان سازش که به درخواست زوج صادر گردیده در دفترخانه حاضر نشود، در صورتی که زوج حقوق مالی زوجه، موضوع ماده ۲۹ ق ح خ مصوب سال ۹۲ را تحویل اجرای احکام دادگاه صادرکننده گواهی عدم امکان سازش نماید، به تقاضای زوج صیغه طلاق جاری و در دفتر طلاق ثبت و مراتب به زوجه اطلاع داده می‌شود. از جهت حفظ و نگهداری حقوق مالی زوجه، اجرای احکام به ترتیب مقرر در مواد ۴۵ و ۷۸ قانون اجرای احکام مدنی عمل خواهد کرد. هزینه نگهداری اشیاء، اموال و سکه‌ها از زمان تحویل توسط زوج، به عهده زوجه خواهد بود.

یک نکته از ماده ۲۱

گاهی گواهی عدم امکان سازش صادر می‌گردد و زوج مکلف است مثلاً مبلغ ۱۴ سکه به عنوان قسمتی از مهریه به زوجه پرداخت کند؛ اما زوجه در دفتر طلاق حاضر به تحویل حقوق خود نیست یا حتی در دفترخانه حاضر نمی‌شود. ماده ۲۱ می‌گوید در این صورت زوج می‌تواند ۱۴ سکه را به اجرای احکام شعبه رسیدگی کننده تحویل دهد و گواهی آن را به دفتر طلاق ارائه کند، سپس زوجه را طلاق دهد و زوجه می‌تواند هر زمان خواست به اجرای احکام شعبه مراجعه و ۱۴ سکه خود را دریافت کند؛ اما از زمان تحویل سکه‌ها به اجرای احکام توسط زوج کلیه هزینه‌های نگهداری سکه‌ها برعهده زوجه خواهد بود.

نکته‌ای که در این ماده وجود دارد این است که سردفتر حق دریافت سکه‌ها یا هر حقوق دیگر زوجه را در صورت عدم حضور زوجه در دفترخانه ندارد، بلکه به استناد ماده ۲۱ زوج باید جهت تحویل حق و حقوق زوجه مندرج در دادنامه به اجرای احکام شعبه راهنمایی گردند.

پنجم: پرسش و پاسخ

۱. وقتی دادگاه تخلف شرط ضمن عقد را از زوج احراز کرد در چنین صورتی طلاق تحت چه عنوانی

قرار می‌گیرد حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش؟

نظریه مشورتی حکم احراز شرایط اعمال وکالت موضوع قسمت اخیر ماده ۲۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ یا حکمی که بر اساس وکالت محضری زوجه از زوج برای طلاق بر جواز اعمال وکالت صادر می‌شود، متفاوت از حکم طلاق مذکور در ماده ۳۳ آن قانون بوده و به منزله طلاق توافقی است، زیرا زوجه به وکالت از زوج اقدام می‌کند که حکایت از موافقت موکل بر طلاق دارد و مورد مشمول ماده ۳۴ قانون یاد شده است.

۲. اگر تخلف شرط ضمن عقد احراز شد و دادگاه رأی صادر نماید اعتبار این رأی کدام ماده به این امر

تصریح کرده است؟

مدت اعتبار آن سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است.

۳. در طلاق توافقی اگر زوج یا زوجه در دفتر ثبت طلاق حاضر نشوند آیا مشمول ماده ۳۴ خواهند شد

به عبارت دیگر آیا زوج یا زوجه می‌تواند بدون حضور یا عدم رضایت طرف دیگر تقاضای ثبت و

اجراء مفاد دادنامه را بنماید؟

با توجه به ماده ۳۶ قانون یاد شده در طلاق توافقی که منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش گردیده چنانچه زوج از توافق عدول نماید و نخواهد زوجه را طلاق دهد نمی‌توان وی را مجبور به طلاق نمود ولی در مورد زوجه که دادخواست با تقاضا و توافق وی با زوج تنظیم گردیده و گواهی صادره نیز در موعد مقرر قانونی تسلیم دفترخانه گردیده، عدم حضور وی تأثیری در اجرای صیغه طلاق ندارد.

۴. در چه صورتی زن سه‌طلاقه محسوب می‌شود؟ شرایط مترتب بر سه‌طلاقه بودن زن چیست و در

صورت تمایل شوهر، چگونه امکان ازدواج مجدد با زن سه‌طلاقه فراهم می‌شود؟

شرع و قانون درباره سه‌طلاقه شدن زن نص صریحی دارند. طبق ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی: زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده، بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت، فراق حاصل شده باشد؛ بنابراین، مردی که سه مرتبه متوالی زنی را طلاق داده، اعم از اینکه طلاق بعد از رجوع در ایام عده یا پس از نکاح جدید واقع شده باشد، نمی‌تواند دوباره با آن زن ازدواج کند، زیرا ازدواجی که این قدر متزلزل و ناپایدار باشد، نمی‌تواند قانون خانوادگی خوشبختی به وجود آورد و بجاست که از تجدید آن پس از سه

بار طلاق متوالی جلوگیری شود به علاوه قانونگذار خواسته است بدین وسیله از تکرار طلاق جلوگیری کند.

فرض کنیم بعد از سه طلاق متوالی و دخالت محلل (فردی که با زن سه طلاق ازدواج می‌کند تا زن بر شوهر اولی حلال شود) و انحلال نکاح و ازدواج مجدد زن و شوهر سابقش، باز زوجین با هم ناسازگاری آغاز کنند و طلاق تکرار شود. این نمایشنامه نمی‌تواند برای همیشه ادامه داشته باشد. زیرا قانونگذار به پیروی از فقه اسلامی مقرر داشته است: زن هر شخصی که به ۹ طلاق که ۶ تای آن عدی است مطلقه شده باشد، بر آن شخص حرام موبد می‌شود. توضیحاً قسم ۱ و ۲ و ۳ عده ندارد ولی قسم ۴ و ۵ و ۶ عده دارد.

۵. در قانون مدنی ماده ۱۱۴۱ عده بذل یا انقضاء مدت در نکاح منقطع دو طهر است، چرا اینجا دو حیض گفته‌اید؟

جواب: مشهور فقها عده را دو حیض کامل می‌دانند و بهتر بود قانون مدنی در این مورد از قول مشهور تبعیت می‌کرد زیرا این به احتیاط نیز نزدیک‌تر است.

۶. دفاتر عده زن را به قمری یا شمسی و چند روز محاسبه می‌کنند؟

جواب: دفاتر عده را به شمسی به صورت عرفی حداکثر سه ماه همراه سی روز محاسبه می‌کنند.

۷. آیا اقرارنامه زوجه مبنی بر سپری شدن عده قبل از سه ماه قابل قبول است؟

جواب: در یک مورد مانند این به دادگاه انتظامی ارجاع شده و سردفتر تبرئه شده و قابل قبول بوده است. علی‌رغم اینکه قول زن از لحاظ شرعی پذیرفته است؛ اما بهتر است قبول نکنید.

۸. آیا پدر یا جد پدری برای طلاق پسر صغیر خود ولایت دارد؟ نظر مشهور فقها چیست؟

- در مورد طلاق: ولایت ندارند یعنی طلاقشان صحیح نیست.^{۱۶}
- در مورد بذل مدت در عقد موقت: بذل مدت صحیح است.^{۱۷}

۹. آیا طلاق به مجرد ادعای شوهر و اینکه بگوید: من او را مطلقه نموده‌ام ثابت می‌شود؟ به گونه‌ای که

زن حق ازدواج داشته باشد و نفقه ساقط شود، یا اینکه باید با شهادت دو عادل همراه باشد؟

فقها در این مورد اختلاف دارند^{۱۸} آنچه از مجموع ادله ظاهر می‌شود این است که طلاق به مجرد ادعای زوج، خالی از اشکال نیست، بلکه باید بیینه‌ای بر آن قائم شود.

۱۶. آیت الله مکارم: بنابر احتیاط واجب ولی نمی‌تواند طلاق بدهد.

۱۷. آیت الله خویی: در صورت مصلحت در صبی جایز است.

۱۸. در این باره مرحوم محقق قمی در جامع الشتات و محقق یزدی در ملحقات عروه الوثقی مشروحاً بحث کرده‌اند.

۱۰. شخصی می‌خواهد زن خود یا زن دیگری را طلاق دهد، در شهری که ساکن است، عادل به آن معنایی که فقها عظام فرموده‌اند نیست مگر بعضی از اشخاصی که شخص مطلق نه به چشم خود از آنها معصیتی دیده و نه از دیگران شنیده که تا حال معصیتی کرده باشند و در شهرهای مجاور هم اشخاص عادلی را نمی‌شناسد و از طرفی هم به ناچار باید این طلاق واقع شود. آیا نزد همان اشخاص فوق‌الذکر که مورد وثوق و حسن ظن هستند می‌تواند طلاق را جاری کند؟

همین گونه افراد برای شهود طلاق کافی هستند و عادل محسوب می‌شوند

۱۱. اینکه طلاق باید در طهر غیرمواقعه واقع شود، آیا باید زن غسل هم کرده باشد، یا پاک شدن از حیض کافی است؟

پاک بودن از حیض کفایت می‌کند و غسل لازم نیست.

۱۲. آیا عدم علم شاهد به فسق خودش در شهادت بر طلاق معتبر می‌باشد؟

خالی از اشکالی نیست.

۱۳. آیا عدالت که در شهود طلاق شرط است، شرط واقعی است یا شرط علمی و ظاهری؟ به تعبیر دیگر،

هرگاه پس از اجرای صیغه طلاق، علم به فسق شاهدین پیدا کنیم، در حالی که به هنگام طلاق آنها

را عادل می‌پنداشتیم، طلاق واقع شده چه حکمی دارد؟

طلاق مزبور صحیح است

۱۴. آیا در طلاق، عدالت دو شاهد در نظر زوج کافی است؟

بله، عدالت دو شاهد در نظر زوج مادام که یقین برخلاف آن نباشد کافی است (اگر عاقد زوج باشد)

۱۵. طلاق خلعی واقع شده است ولی شوهر مدعی است که قبل از طلاق با همسر آمیزش کرده‌ام و

دیگر اینکه شاهدین عدلین حضور نداشته‌اند بلکه طلاق در حضور عده‌ای از مؤمنین ظاهر الصالح

واقع شده است، آیا چنین طلاقی صحیح است؟

طلاق مزبور در هر حال محکوم به صحت است زیرا ادعای شوهر در مورد واقعه قبل از طلاق در فرض

مسئله پذیرفته نیست و به اعتراف خود او ظاهر حال شهود، عدالت بوده و ما مأمور به باطن نیستیم،

بنابراین طلاق اشکالی ندارد مگر این که با دلیل شرعی ادعای خود را ثابت کند.

۱۶. در شهود طلاق، عدالت نزد عاقد شرط است یا نزد زوج؟

عدالت نزد عاقد شرط است. اگر عاقد خود زوج باشد اعتبار عدالت شهود نزد او کافی است.

۱۷. در مورد طلاق که توسط عاقد جاری شده، اگر زوج شهود را عادل نداند آیا طلاق مزبور برای زوج هم معتبر است؟ یعنی می‌تواند مثلاً بعد از طلاق زن چهارم، زن پنجم را بگیرد.
زوج در صورت علم، احتیاط کند.

۱۸. طلاق در جمع علما خوانده می‌شود. بر فرض شهادت آیا می‌توانند آقایان شهادت دهند با اینکه طرفین را ندیده و نمی‌شناسند و به علاوه تعداد طلاق زیاد است.
آن چه که شرط صحّت طلاق است، اجرای آن در حضور دو شاهد عادل است ولی لزومی ندارد.

۱۹. در صورت فوت زوجه در ایام عده آیا صورت جلسه ابطال می‌گردد یا طلاق ثبت می‌شود؟
با مذاقه در قوانین و مقررات از جمله قانون مدنی و نظرات فقها با عنایت به این نکته که (۱) در طلاق رجعی زوجین همچنان در ایام عده دارا شرایط خاص زوجیت را هستند و (۲) فوت یکی از موارد انحلال نکاح است؛ لذا با انحلال نکاح به صورت قطعی تمام احکام و شرایط وفات بر زوج یا زوجه ساری و جاری خواهد شد و زوجه از تاریخ فوت، عده وفات نگه می‌دارد و ثبت طلاق بعد از انحلال کامل نکاح به علت فوت محملی ندارد و اصولاً ثبت طلاق منتفی است. مراتب فوت وفق اسناد و مدارک کافی در صورت جلسه قید و بایگانی می‌گردد. تعداد اندکی از حقوقدانان نظر مخالفی دارند و به ثبت طلاق معتقدند که با مراجعه به فتوای مراجع عظام تقلید نظر گروه اول به صواب نزدیک‌تر است.

۲۰. از آنجاکه در طلاق رجعی رجوع (در نوبت اول) در شناسنامه ثبت نمی‌شود چطور می‌توان فهمید طلاق رجعی نوبت چندم است؟

اگر کسی طلاق بدهد و در ایام عده رجوع کند و به زوجیت ادامه بدهد نمی‌توان نوبت را فهمید و این مورد نقص قانون محسوب می‌شود و باید سازمان در نحوه ثبت طلاق رجعی تغییراتی بدهد.

۲۱. سه طلاجه به چه نحو است؟ آیا نوع طلاق جداگانه مشخص می‌شود؟
در فقه شیعه سه طلاق در یک مجلس واحد نداریم. هر طلاقی نوبت نوشته می‌شود و در اجرای صیغه نوبت اول «هی طالق مره»، نوبت دوم «هی طالق مرتین» و نوبت سوم «هی طالق ثالث مرآت» گفته می‌شود. دقت کنید که نوع طلاق در نوبت سوم بائن نوشته می‌شود و در شرح قرارداد توضیح داده می‌شود «به علت طلاق سوم، زوج دیگر حق رجوع ندارد».

۲۲. وکالت زوج به زوجه در متن دادنامه برای اجرا و ثبت طلاق کفایت یا باید حتماً وکالت در دفتر اسناد رسمی تنظیم شود؟ آیا به استناد وکالت وکلای دادگستری می‌توان در دفاتر ازدواج و طلاق ثبت انجام داد؟

الف: وکالت در متن دادنامه کافی است و نیازی به تنظیم وکالت‌نامه در دفتر اسناد رسمی نیست.

ب: به استناد رأی دیوان عدالت اداری علی‌رغم تصریح اختیارات مذکور در وکالت‌نامه دفتر طلاق با وکالت وکلای دادگستری می‌تواند طلاق را ثبت نماید.

رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: ابطال بخش‌نامه عدم مجوز تنظیم اسناد به استناد وکالت‌نامه‌های تنظیمی وکلای دادگستری
عدم مجوز تنظیم اسناد به استناد وکالت‌نامه‌های تنظیمی وکلای دادگستری موضوع ردیف ۱۹ مجموعه بخش‌نامه‌های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور توسط دیوان عدالت اداری ابطال شد.

علاوه بر اینکه مفاد ماده ۱۱ نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۹۱۱ در خصوص لزوم تصدیق امضای وکیل زوج یا زوجه در دفتر مخصوص ثبت واقعه ازدواج یا طلاق توسط کمیساریا و یا امین صلح و یا نایب‌الحکومه و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی با توجه به تاریخ تصویب آن ناظر به وکالت اشخاص عادی بوده و منصرف از وکلای رسمی دادگستری است، اصولاً اعتبار وکالت‌نامه‌های وکلای دادگستری در مراجع قضائی نافی اعتبار آنها در مراجع غیر قضائی در حدود اختیارات قانونی مصرح در وکالت‌نامه آنان در اجرای احکام قطعی مراجع قضائی نیست و طبق ماده ۳۶ قانون ثبت اسناد و املاک کشور موارد ضرورت تنظیم و ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی تبیین و احصاء شده است که از اختیارات مصرح در وکالت‌نامه وکلای دادگستری در زمره اسناد مزبور قرار ندارد؛ بنابراین عموم و اطلاق ردیف ۱۹ از مجموعه بخشنامه‌های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که مقرر داشته است «با توجه به قوانین و مقررات موضوعه مجوزی برای تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی به استناد وکالت‌نامه‌هایی که توسط وکلای دادگستری تنظیم می‌شود، به نظر نمی‌رسد.» به لحاظ اینکه مفهوم الزام وکیل دادگستری به تنظیم سند رسمی در دفاتر اسناد رسمی در مورد ثبت واقعه ازدواج و طلاق در اجرای احکام مراجع قضائی، علی‌رغم تصریح اختیارات مذکور در وکالت‌نامه آنان است، خلاف قانون تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۸۱ قانون اساسی و ماده یک و بند یک ماده ۱۳ و ماده ۳۱ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

۲۳. ملاک تعیین طلاق رجعی توافقی و خلع توسط قاضی چیست؟

دادگاه بر حسب نوع خواسته خواهان، گواهی عدم سازش و یا حکم طلاق صادر می‌کند و ذکر نوع طلاق در رای صادره الزامی است. در هر حال چنانچه نوع طلاق در تصمیم دادگاه ذکر نشود نوع طلاق بر حسب موازین شرعی مشخص خواهد شد.

۲۴. آیا می توان نوع طلاق را تغییر داد؟

بنا بر نظریه مشورتی ۳۳۱۱/۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۱ چنانچه دادگاه حکم به طلاق رجعی نماید با توافق طرفین می توان طلاق رجعی را به خلع تغییر داد و منع قانونی و شرعی ندارد (البته ذکر این نکته لازم است که نظریه مشورتی لازم الاتباع نیست، برخلاف رأی وحدت رویه که در حکم قانون است).

۲۵. در صورت غیبت زوجین در طلاق رجعی، اخطارها چگونه ابلاغ می شود؟

دو حالت متصور است:

الف: زوجه غایب است اما وکیل او حاضر است. وکیل باید تمام مدارک لازم را ارائه کند ولی اگر وکیل حاضر نباشد باید به زوجه اخطار ارسال شود چون بحث ابلاغ واقعی و تست بارداری مطرح است.

ب: درمورد زوج اگر حاضر است که هیچ؛ اما اگر وکیل دارد و وکیل او در ثبت و تشریفات طلاق نیز وکالت دارد در این صورت به وکیل ابلاغ می شود در صورت عدم حضور وکیل اخطار به خود زوج ارسال خواهد شد.

۲۶. در ثبت طلاق رجعی تاریخ وقوع طلاق همان تاریخ ثبت در شناسنامه است یا تاریخ خوانده شدن

صیغه طلاق در صورت جلسه ملاک است؟

دفاتر در مورد ثبت در شناسنامه سلیقه ای عمل می کنند؛ برخی از سران دفاتر تاریخ وقوع را درست می دانند چون در صورت ازدواج مجدد مشخص می شود عده زوجه تمام شده است و برخی دیگر تاریخ ثبت را و برخی نیز نوشتن هر دو را. به نظر می رسد نظر گروه سوم به علت برطرف شدن شبهات به صواب نزدیک تر است و بهتر است نوع طلاق نیز در شناسنامه قید گردد.

۲۷. آیا زوج می تواند در ایام عده طلاق خلع، زوجه دوم اختیار کند؟ در دیگر طلاقها چگونه؟

الف. در ایام عده طلاق رجعی مرد طبق قانون نمی تواند همسر دیگری اختیار کند، چراکه هنوز طلاق در شناسنامه ثبت نشده است.

ب: در طلاق خلعی و مبارات که عده دارد و طلاق در شناسنامه مرد ثبت شده است شکی نیست که مرد می تواند در ایام عده همسر دیگری اختیار کند.

ج. طلاق یائسه و صغیره و غیرمدخوله که عده ندارد از بحث ما خارج است. (منعی نیست)

۲۸. آیا طلاق خلع و مبارات با طلاق زن یائسه، صغیره و غیرمدخوله قابل جمع است؟

بله ممکن است زن یائسه، صغیره یا غیرمدخوله باشد و هم به لحاظ کراهت شدیدهای که از مرد دارد تمام یا بخشی از مهریه خود را بذل نموده و درخواست طلاق نماید که در این صورت مثلاً می‌شود طلاق خلعی.

۲۹. مرد زن خود را به طلاق خلعی مطلقه نموده و در ایام عده همسر قبلی خود، همسر دیگری اختیار نموده است. پس از اختیار همسر دوم، زن اول به مابذل رجوع می‌کند. با رجوع زن اول به مابذل، طلاق خلع به طلاق رجعی منقلب می‌شود. طبق قاعده کلی «المطلقة الرجعية، زوجة» که فتوای تمام مراجع عظام تقلید است، مرد می‌تواند به همسر سابق خود رجوع کند و هیچ قانونی نمی‌تواند مانع این رجوع شود، چراکه رجوع به همسر سابق از حقوق غیر قابل اسقاط مرد است. در این صورت آیا همسر دوم حق دارد طبق بند ۱۱ شرایط مندرج در عقدنامه‌های رسمی کشور یا ماده ۱۸ ق ح خ مصوب ۱۳۹۴ درخواست طلاق کند یا خیر؟

نکته پرسش در اطلاع زوج نسبت به رجوع است:

الف: اگر مطلقه به مابذل رجوع کند و زوج بی‌اطلاع از رجوع، زن دیگری اختیار کند، در این صورت هیچ ایرادی بر زوج متصور نیست؛ چنانچه زوج بخواهد به مطلقه رجوع کند اشکالی ندارد. سردفتر نیز می‌تواند رجوع زوج را ثبت کند و مشمول بند ب سند نیز نخواهد شد.

ب: چنانچه مطلقه به مابذل رجوع کند و مرد نیز از آن مطلع باشد و با اطلاع از رجوع، زن دیگری نیز اختیار کند، در این صورت آیا زوج حق رجوع به زوجه را در ایام عده خواهد داشت؟ با توجه به پاسخ اداره کل امور اسناد به پرسش اداره کل استان فارس در صورت عدم اطلاع زوج نسبت به رجوع مطلقه به مابذل، ثبت رجوع اشکالی ندارد.

پرسش اداره کل استان فارس از امور اسناد

بسمه تعالی

اداره کل محترم امور اسناد و سردفتران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با سلام؛ احتراماً دفتر طلاق ۵۱ شیراز طی نامه ۳۴۰-۹۳/۱۱/۱۶ اعلام نموده است آقای محمد حسین پرنیا، زوجه خود خانم ث الف را به شماره ۴۲۶۷-۹۳/۸/۲۶ به طلاق خلع نوبت اول مطلقه نموده است، سپس زوج در زمان عده در تاریخ ۹۳/۱۰/۱۶ مبادرت به ازدواج با غیر نموده است که در شناسنامه زوج اخبار شده است. اینک زوج و زوجه که در تاریخ ۹۳/۸/۲۶ طلاق گرفته‌اند مبادرت به رجوع نموده‌اند و سردفتر در خصوص ثبت رجوع با توجه به اینکه زوج

مبادرت به ازدواج نموده است و اینک دو همسر می‌شود کسب تکلیف نموده است. خواهشمند است با عنایت به اینکه فرصت زمانی رجوع تا چند روز دیگر به اتمام می‌رسد در خصوص ثبت رجوع و تکلیف سردفتر، یا ارائه دادنامه از مرجع قضایی این اداره کل را ارشاد فرمایند.

عبدالحسین رامشی - مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان فارس

پاسخ مدیرکل امور اسناد و سردفتران (به شماره نامه: ۱۹۷۳۴۷/۹۳ مورخه: ۱۳۹۳/۱۲/۲۲)

جناب آقای رامشی

مدیرکل محترم ثبت اسناد و املاک استان فارس

با سلام؛ احتراماً عطف به نامه شماره ۴۳۴۸۱/۹۳/۱۰۵ مورخه ۹۳/۱۱/۲۰ در رابطه با دفتر طلاق شماره ۵۱ شیراز در خصوص مورد مطروحه اعلام می‌دارد. هرچند تصویر نامه سردفتر ارسال نشده مع الوصف با توجه به مفاد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در طلاق بائن حق رجوع برای مرد نیست و چنانچه مطلقه در طلاق مذکور و قبل از انقضای عده به مابذل رجوع کند و این رجوع ثبت گردد طلاق بائن قهراً به طلاق رجعی مبدل می‌شود و اگر مرد قبل از اطلاع از رجوع مطلقه همسر دیگری اختیار نماید، ثبت رجوع با رعایت ضوابط و مقررات جاری بلامانع است.

محسن مرادی/ مدیر کل امور اسناد و سردفتران

پرسش اداره کل استان فارس به صورت کلی اعم از جاهل یا عالم بودن مرد به رجوع زوجه در ایام عده است، اما جوابیه امور اسناد سازمان ثبت، قید عدم اطلاع زوج از رجوع زوجه را آورده است. به نظر می‌رسد، عبارت «و اگر مرد قبل از اطلاع از رجوع مطلقه همسر دیگری اختیار نماید» محل تأمل و اشکال است، زیرا رجوع زوج به زوجه، حکم است و از قواعد امری و اطلاع مرد از رجوع به مابذل یا عدم اطلاع وی تأثیری در حکم ندارد. تنها مشکلی که به نظر می‌رسد متوجه زوج باشد این است که اگر از رجوع به مابذل اطلاع داشته و علیرغم آن اقدام به ازدواج با زن دوم نموده است، زن دوم در صورت عدم اطلاع از موضوع، حق دارد از وی به جرم فریب در ازدواج شکایت کند و در مورد مذکور جای سؤال و شفاف‌سازی از اداره محترم کل امور اسناد لازم به نظر می‌رسد.

۳۰. تعداد اختاریه‌ها در ماده ۳۳ و ۳۵ قانون حمایت از خانواده چند اختاراست یک یا دو اختار،

در صورت عذر زوج در ماده ۳۵ چند اختار می‌شود؟

این سؤال بین اساتید به اشتراک گذاشته شد. نظریه اکثریت به این شرح است:

از مواد ۳۳ و ۳۵ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۹۲، این مطلب به صراحت قابل برداشت است که وقتی زوج و یا زوجه حاضر نشود، طی یک نوبت اخطار از زوج یا زوجه دعوت می‌شود، اگر حاضر شدند طلاق ثبت می‌شود اما اگر حاضر نشدند سردفتر برای بار دوم از زوجین با اخطاریه دعوت به عمل می‌آورد. در صورت غیبت زوج یا زوجه، طلاق قابل ثبت است و اگر زوج اعلام عذر نماید اخطار سوم را می‌طلبد البته اگر عذر قابل قبول باشد. به نظر می‌رسد قبول شدن عذر اعلامی را از شعبه مربوطه استعلام می‌کنیم تا قاضی در این مورد نظر بدهد اگر قبول نشد اخطار سوم لازم نبوده و قابل ثبت است اگر عذر قبول باشد بعد از اخطار سوم قابل ثبت است.

تعدادی بر این عقیده هستند که در صورت عدم حضور زوجین، طلاق با یک اخطار نیز قابل ثبت است، گرچه ممکن است تعدادی قضات با توجه به ظاهر ماده یک اخطار را کافی بدانند منتهی اگر قاضی یا بازرسی نظر بر دو اخطار داشته باشد اینجا سردفتر دچار خسران شده است، لذا اگر همان نظر اکثریت یعنی دو اخطار را بپذیریم در صورت صدق کردن نظر مخالف یعنی یک اخطار هیچ اتفاقی نیفتاده است.

۳۱. آیا گواهی عدم امکان سازش نیز مانند حکم قابل فرجام‌خواهی است لطفاً ابتدا مستند سپس مستدل

توضیح دهید؟

طی نظریه کمیسیون نشست قضائی مورخ ۲۰ تیر سال ۱۳۹۵ و مستندات و دادنامه‌های صادره از سراسر کشور، ارائه شده توسط همکاران محترم در تهران و شیراز و... و مشورت از قضات محترم دادگاه خانواده، گواهی عدم امکان سازش نیز مانند حکم طلاق قابل فرجام‌خواهی است و عدم قید این موضوع در دادنامه به قاضی مربوطه ارتباط دارد، لذا سردفتر موظف به استعلام قطعیت دادنامه از دادگاه است و لاغیر.

۳۲. در صورت اختلاف زوجین در مدت زمان عده طلاق خلع یا مبارات در صورتی که زوجه به مابذل

رجوع کرده است و زوج قصد رجوع به زوجه را دارد (مثلاً زوجه بگوید ظرف دو ماه عده‌ام تمام شده و دیگر زوج حق رجوع ندارد) به چه صورت عمل می‌شود؟ قول زن مقدم است یا اقرارنامه رسمی یا رأی دادگاه؟

در مورد اتمام عده زوجه، زمانی که زوجه به مابذل رجوع کرده است و زوج قصد رجوع به زوجه را دارد دو حالت متصور است: صورت اول آن است که زوجه به مابذل رجوع نموده و ادعا می‌کند که ایام عده من ظرف دو ماه پایان یافته است و در مقابل زوج هم ادعای زوجه را می‌پذیرد بنابراین اختلافی در مورد اتمام مدت عده وجود ندارد؛ در این مورد سردفتر تکلیف خاصی ندارد و به تکالیف ثبتی خود بنا به اظهارات

زوجین عمل می‌کند. صورت دوم زمانی است که زوجه به مابذل رجوع نموده و مدعی است عده من ظرف دو ماه پس از طلاق پایان یافته است اما زوج ادعای زوجه را قبول ندارد با توجه به اختلافی بودن این موضوع سردفتر مکلف است مراتب تاریخ ثبت طلاق و رجوع مطلقه به مابذل را با قید تاریخ طی گواهی تسلیم ذی‌نفع نموده و به دادگاه راهنمایی کند؛ زیرا تشخیص ادعای زوج با دادگاه است و دادگاه دلایل زوج را بررسی می‌کند. اگر قانع کننده بود که ادعای زوجه رد می‌شود اما اگر دلایل زوج برای قاضی قانع کننده نبود بنا بر فتوای فقها که معتقدند قول زن مقدم است رأی به نفع زوجه صادر می‌کند لذا به دو نکته مهم توجه فرمایید:

الف: رسیدگی به اختلاف زوجین و تصمیم مقتضی با دادگاه است نه با سردفتر
ب: قول زن در دادگاه زمانی مقدم است که دلیل کافی بر ادعای زوج نباشد زیرا اگر دلیل کافی باشد ملاک قرار می‌گیرد و اینجا دیگر به قول زن ترتیب اثر داده نمی‌شود. در مورد اقرارنامه رسمی زوجه نیز برخی از همکاران بنا بر توضیحات فوق فرمودند: منتفی است و محلی از اعراب ندارد.

۳۳. در صورتی که زوجه در روزهای پایانی عده به مابذل رجوع کند و فرصت اطلاع به زوج با اختطاریه کافی نباشد تکلیف چیست؟

به اتفاق نظر اکثریت مراجع عظام تقلید رجوع زوجه به مابذل در این مورد دارای اشکال و باطل است و نتیجتاً سردفتر باید از ثبت رجوع به مابذل زوجه در مدت زمان غیرمعقول که فرصت اطلاع به زوج مقدور نیست خودداری کند و شایان ذکر است که:

برای رجوع مطلقه به مابذل در حقوق ۲ شرط باید رعایت شود:

۱. امکان اطلاع زوج از رجوع مطلقه به مابذل وجود داشته باشد.

۲. در صورت اطلاع زوج از رجوع مطلقه به مابذل، باید امکان رجوع زوج به زوجه نیز باشد

بنابراین مطلقه زمانی می‌تواند به مابذل رجوع کند که دو شرط فوق قابل تحقق باشد و گرنه اعتباری ندارد.

نظر آیت الله مکارم شیرازی درباره مسئله پیشین:

سوال: هر گاه زنی که طلاق خلع و یا مبارات داده شده در آخرین روز یا روزهای عده به مابذل رجوع کند و به مرد اطلاع ندهد یا به محضر اعلام کند ولی فرصت ابلاغ این اعلام به زوج نباشد و عده سپری شود، با توجه به اینکه شوهر عرفاً امکان استفاده از حق رجوع به نکاح را ندارد، آیا رجوع زن اثر شرعی دارد؟

جواب: این رجوع به بذل اشکال دارد.

۳۴. در صورت رجوع زوجه به مابذل چه متنی باید در ستون ملاحظات نوشته شود؟ آیا رجوع به دادگاه هم اعلام می‌شود یا فقط به زوج اخطار می‌گردد؟

در محل ثبت ازدواج قید می‌شود که در مورخه... زوجه با ارائه تقاضای کتبی، به مهریه مبذوله خود رجوع نمود لذا مراتب قید و اخطاریه زوج ارسال گردید.

۳۵. در صورت رجوع زوج به زوجیت متنی که در دفتر قید می‌شود و متنی که به دادگاه ارسال می‌گردد و متنی که به زوجه ارسال می‌شود درج شود؟

اگر زوج مراجعه و رجوع به زوجیت نمود متعاقباً در ستون ملاحظات دفتر و سند درج می‌شود. «پیرو اخطاریه مورخ... زوج حاضر و به عقد سابق خود رجوع نمود لذا علقه زوجیت کمافی السابق بین زوجین برقرار گردید». مراتب رجوع به شعبه مربوطه و دفتر ازدواج اعلام و در سامانه ثبت می‌شود. اگر زوج حاضر و به عقد سابق رجوع ننمود فقط مراتب رجوع به مابذل به دفتر ازدواج اعلام می‌گردد.

۳۶. آیا طلاق مبارات نیز مانند خلع رجوع به مابذل و رجوع به زوجیت دارد و همان نوعی طلاق توافقی است؟

مراحل ثبت طلاق مبارات همانند خلع است فقط در لفظ، اجرای صیغه متفاوت است.

۳۷. وحوه ثبت رجوع زوجیت در شناسنامه چگونه است یعنی در کنار تاریخ طلاق خلع دوباره تاریخ رجوع را قید می‌کنیم و می‌نویسیم رجوع...؟

در ستونی که ازدواج ثبت می‌شود نوشته می‌شود که زوج در مورخه... به عقد سابق خود رجوع نمود. امضا و مهر سردفتر

۳۸. منظور از امور مالی و غیر مالی چیست؟

منظور مهریه، نفقه، جهیزیه، اجرت المثل، حمل، حضانت فرزندان و... است.

۳۹. منظور از قراردادها و شروط ضمن آن در طلاق چیست؟

هر گونه قرارداد زوجین در مورد مهریه و نفقه و اجرت المثل و تکلیف فرزندان، شرط قرارداد طلاق است.

۴۰. آیا میزان و نحوه پرداخت نفقه، مهریه، و بحث حضانت و... که در دادنامه قید گردیده است در دفتر

طلاق قابل تغییر است یا جهت تغییر نیاز به رأی دادگاه دارد؟

جهت تغییر توافق قید شده در دادنامه نیاز به کسب تکلیف از دادگاه است.

۴۱. در صورت غیبت زوجه حقوق زوجه به کجا تحویل داده می‌شود و چه مدرکی برای ثبت اخذ

می‌شود؟ در صورت حضور زوجه در دفتر حقوق وی چگونه پرداخت می‌شود؟

حقوق حقه زوجه غائب به اجرای احکام شعبه مربوطه واریز و فیش آن در پرونده بایگانی و در صورت

حضور در نزد سردفتر حقوق زوجه بخودش تحویل و در شرح قید و به امضای زوجین می‌رسد

۴۲. در طلاق رجعی مهلت ارائه دادنامه (گواهی عدم امکان سازش) به دفتر طلاق چقدر می‌باشد؟

در کلیه طلاق‌ها گواهی مربوطه سه ماه از تاریخ تسلیم گواهی به دفتر طلاق باید ثبت شوند در غیر این

صورت از درجه اعتبار ساقط می‌شود منتهی در طلاق رجعی این مهلت از زمان تسلیم گواهی تا

صورت جلسه طلاق رجعی محاسبه می‌شود نه تا زمان ثبت طلاق رجعی و پایان عده.

ششم: ضمائم (فرم‌ها و نامه‌های اداری)

از دفتر اندیکاتور و شیوه دبیرخانه برای ثبت همه ورودی‌ها و خروجی‌های دفتر استفاده کنید.

فرم‌ها

۱. اقرارنامه زوجه به طهر غیرموقعه
۲. گواهی اسکان
۳. صورت جلسه طلاق رجعی
۴. نشر آگهی

نامه‌ها

۱. تست بارداری
۲. اخذ قطعیت رأی دادگاه
۳. گواهی تعویض شناسنامه
۴. گواهی پرده بکارت
۵. اعلام ثبت طلاق به دفتر ازدواج
۶. اعلام طلاق به دفتر دادگاه
۷. نامه اعلام رجوع به دفتر ازدواج در طلاق رجع
۸. نمونه نامه اعلام رجوع به دفتر ازدواج در طلاق خلع و یا مبارات
۹. نامه بدادگاه در صورت غیبت احدی از زوجین و درخواست نماینده یا کسب تکلیف برای ثبت
۱۰. اطلاع نامه به زوجین در مورد طلاق غیابی
۱۱. اعلام رجوع زوج به زوجه در طلاق رجعی
۱۲. اختاریه به زوج در صورت رجوع بمابذل زوجه در طلاق خلع

طلاق رجعی

۸. نمونه صورت جلسه طلاق رجعی

بر اساس مصوبه ۱۱/۱۱/۱۹۳۱ قانون جدید حمایت خانواده ودر خواست زوجین در تاریخ صورت جلسه طلاق رجعی بشرح ذیل تنظیم شد.

مشخصات طلاق دهنده: نام نام خانوادگی شماره شناسنامه
تاریخ صدور محل صدور نام پدر تاریخ تولد.....
شماره مسلسل و سری شناسنامه..... تابعیت مذهب شغل
آدرس..... شماره ملی کد پستی
میزان تحصیلات شماره تماس امضاء

مشخصات طلاق داده شده: نام نام خانوادگی شماره
شناسنامه تاریخ صدور محل صدور نام پدر
تاریخ تولد شماره مسلسل و سری شناسنامه تابعیت مذهب
شغل آدرس

شماره ملی کدپستی میزان تحصیلات شماره تماس
امضاء

شماره دادنامه و مرجع صدور

شماره دادنامه مورخ مندرج در کالسه پرونده و شماره
بایگانی شعبه دادگاه عمومی شهرستان

۹. شرح طلاق (رجعی)

زوجین/زوج باتفاق معرفی و عدلین حاضر و تقاضای ثبت صورت جلسه طلاق رجعی نوبت اول شدند/شد چون مساعی سردفتر جهت اصلاح ذات البین مؤثر واقع نشد و زوج اصرار به طلاق داشتند لذا به شرح زیر مبادرت به تنظیم صورت جلسه گردید.

۱. مهریه: بر اساس سند ازدواج شماره دفتر ازدواج شماره مهریه زوجه که عبارت است از که زوج تمامی آن را با سایر حقوق به شرح متن دادنامه به زوجه پرداخت و او را مطلقه به طلاق رجعی نمود.

۲. نفقه و نحله: نفقه به زوجه پرداخت شد.

۳. جهیزیه: جهیزیه از طرف زوج بزوجه مسترد شده است.

۴. حضانت اطفال: فاقد اولاد مشترک هستند.

شرط صحت طلاق: طهر غیرمواقع به زوجه تفهیم و زوجه علی اقرارها در طهر غیرمواقع بوده و طبق

تست بارداری شماره مورخ..... پزشکی قانونی یا پزشک ذیصلاح حمل ندارد.

نوع طلاق: رجعی نوبت.....

مشخصات معرفین

نام نام خانوادگی نام پدر شماره شناسنامه

..... صادره از شغل ساکن امضاء

نام نام خانوادگی نام پدر شماره شناسنامه

..... صادره از شغل ساکن

امضاء

مشخصات شهود عدلین

۱. نام نام خانوادگی نام پدر شماره

شناسنامه صادره از شغل ساکن

امضاء

۲. نام نام خانوادگی نام پدر شماره

شناسنامه صادره از شغل ساکن

امضاء

مشخصات مجری صیغه: صیغه طلاق رجعی نوبت..... با صحت شرائط و توکیل زوج در حضور عدلین

بوسیله اینجانب سردفتر جاری شد سه طهر شرعی عده طلاق است.

امضاء مجری صیغه

اینجانبان زوج و زوجه با اطلاع کامل از مندرجات این صورت جلسه و ماده ۹۳ قانون جدید حمایت

خانواده که در تاریخ در دو صفحه تنظیم گردیده امضاء مینمائیم و متعهد می شویم که در صورت رجوع

قبل از اتمام عده به دفترخانه اطلاع دهیم و عدم اطلاع به دفتر به منزله عدم احراز رجوع و قطعی شدن

طلاق است. نیز متعهد می شویم پس از اتمام عده با ارائه گواهی کتبی اسکان زوجه در منزل مشترک به

آدرس مندرج زوج در تاریخ..... روز ساعت..... در دفترخانه حضور خواهیم یافت.

* چون زوجه قبال منزل مشترک را ترک نموده و به جهت تبرع و ضرر جانی و مالی از سکونت در منزل

مشترک امتناع نمود لذا زوج هم قبول و هزینه او را تقبل نمود که پس از اتمام عده و عدم تحقق رجوع

نیازی به گواهی اسکان نیست

امضا طلاق دهنده امضا طلاق داده شده

ضمناً در ضمن عقد خارج لازم زوج به زوجه وکالت بلاعزل (بیع شفاهی خودکار) داد تا در صورت انقضای عده و عدم تحقق رجوع با حضور هر یک از زوجین و ارائه گواهی کتبی اسکان زوجه از سوی هر یک از طرفین و بدون نیاز اخطار به طرف مقابل قابلیت ثبت طلاق را دارد.

امضا طلاق دهنده امضا طلاق داده شده

با احراز هویت طلاق دهنده و طلاق داده شده و صحت شرایط طلاق و اجرای صیغه طلاق کلیه مندرجات این صورت جلسه با رعایت تمام اصول و مقررات و مراعات کلیه موازین و احکام شرعی و به استناد دادنامه مذکور و گواهی عدم بارداری و ماده ۹۳ قانون حمایت خانواده و با اخذ مدارک و مستندات لازم نزد اینجانب سردفتر طلاق اهر صیغه طلاق رجعی نوبت اول در حضور عدلین جاری گردید. این صورت جلسه در سه برگ تنظیم و هریک حکم واحد دارد.

امضا طلاق دهنده امضای طلاق داده شده امضای سردفتر و مهر دفتر خانه

در تاریخ زوج حاضر و با ارائه تقاضای کتبی به عقد سابق خود رجوع و علقه زوجیت کما فی السابق بین آنها باقی است. در نتیجه صورت جلسه فوق ابطال گردید.

امضاء زوج مهر و امضاء سردفتر

در مورخه زوج/زوجه حاضر و با ارائه گواهی فوت زوج/زوجه اعلام نمود که زوج/زوجه فوت نموده لذا صورت جلسه ابطال گردید و عده زوجه به عده وفات تغییر یافت است.

امضای زوج/زوجه مهر و امضای سردفتر

در تاریخ زوجین پس از انقضای عده و قطعیت طلاق حاضر و با ارائه گواهی کتبی اسکان زوجه در منزل مشترک تقاضای تکمیل صورت جلسه و ثبت در دفتر شدند، لذا صورت جلسه تکمیل و ذیل شماره مورخ در دفتر طلاق جلد صفحه ثبت گردید و شناسه یکتا اخذ شد.

امضا طلاق دهنده امضاء طلاق گیرنده مهر و امضاء سردفتر

نمونه فرم‌ها و نامه‌های مربوط به طلاق رجعی

گواهی اسکان در منزل مشترک

بدین وسیله اقرار و اعتراف می‌نمائیم که اینجانب و خانم از تاریخ وقوع طلاق رجعی مورخه تا پایان عده مقرر در منزل مشترکمان زندگی نمودیم و نیز در زمان عده نفقه، زوجه را پرداخت کرده‌ام. زوجه نیز اقرار می‌کند که کلیه حق و حقوق ایام عده‌ام را از زوج دریافت کرده‌ام و هیچ گونه ادعایی ندارم. همچنین سه طهر عده مقرر نیز سپری شده است. زوجین اقرار کردند که در زمان عده، رجوعی از طرف زوج حاصل نگردیده و مطلعین نیز با امضاء خویش مراتب بالا را تأیید و گواهی می‌نمایند.

نمونه نامه اعلام رجوع به دفتر ازدواج در طلاق رجعی

دفتر رسمی ازدواج شماره و همکار محترم

با سلام

احتراماً درخصوص ثبت ازدواج شماره..... مورخه بین آقای..... و خانم..... در آن دفترخانه به استحضار می‌رساند صیغه طلاق نامبردگان برابر صورت جلسه شماره در مورخه..... به نوع رجعی با جری تشریفات شرعی، ثبتی و قانونی در این دفترخانه اجرا گردید. نهایتاً در مورخه زوج در ایام عده به زوجه مطلقه رجوع نمود. مراتب جهت اطلاع و درج در ستون ملاحظات به آن دفترخانه اعلام می‌گردد.

باتشکر / سردفتر طلاق

آگهی

۱۰. نمونه نشر آگهی ثبت طلاق

ریاست محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر.....

با سلام

احتراماً یک نسخه آگهی با موضوع..... متعلق به آقای..... جهت درج در یکی از روزنامه‌های کثیرالتنشر بحضورتان ارسال می‌گردد مستدعی است پس از ابلاغ آگهی یک نسخه از آن جهت بهره برداری ثبتی به این دفترخانه ارسال گردد.

باتشکر سردفتر طلاق ... مهر و امضا

آگهی ابلاغ

آقای..... فرزند..... مجهول المکان همسر شما برابر دادنامه شماره..... شعبه دادگاه خانواده..... با بذل مهریه و نفقه تقاضای ثبت طلاق نموده است لذا لازم است ظرف مدت یک هفته پس از انتشار آگهی در این دفترخانه به آدرس..... حاضر شوید در غیر اینصورت طبق مقررات اقدام به ثبت خواهد شد و اعتراض بعدی مسموع نخواهد شد.

سردفتر

۱۱. آگهی ثبت طلاق

آقای..... فرزند..... مجهول المکان، پیرو انتشار مورخ..... در روزنامه به علت عدم حضور جنابعالی طلاق همسر شما با وکالت شعبه ... دادگاه خانواده ... به نوع ... به شماره ترتیب.... به تاریخ ... ثبت گردید.

مهر و امضاء سردفتر طلاق

نامه به دادگاه

۱۲. نمونه نامه به دادگاه جهت استعلام قطعیت دادنامه

ریاست محترم شعبه..... دادگاه خانواده.....

سلام علیکم

احتراماً در خصوص کلاسه..... باموضوع..... که منجر به صدور دادنامه شماره ... گردیده است مستدعی است نسبت به قطعیت آن اظهار نظر نموده و مراتب را جهت بهره‌برداری ثبتی به این دفترخانه اعلام نمایید.

باتشکر و تجدید احترام

مهر و امضای سردفتر.....

۱۳. نامه به دادگاه جهت استعلام اصالت دادنامه

ریاست محترم شعبه.... دادگاه خانواده.....

سلام علیکم

احتراماً درخصوص کلاسه.... باموضوع ... که منجر به صدور دادنامه شماره ... گردیده است مستدعی است نسبت به اعتبار و اصالت آن اظهار نظر نموده و مراتب را جهت بهره برداری ثبتی به این دفترخانه اعلام نمایید.

باتشکر و تجدید احترام

مهر و امضای سردفتر.....

نکته: شایان ذکر است، گرچه این نامه جایگاه قانونی ندارد ولی در سیستمی که طلاق رجعی در صورت رجوع زوج به زوجه در جایی درج نمی‌شود به نظر تالی فاسد دارد و آن اینکه ممکن است زوجین برای مرتبه سوم، چهارم و... نیز طلاق انجام و سپس رجوع کنند، بدون اینکه در سیستم ثبتی کشور اثری از این موضوع وجود داشته باشد لذا در صورت اجرای این نامه نگاری و درج آن در ستون. مالحظات دفتر ازدواج الاقل و شاید بتوان جلوی این مفسده احتمالی را گرفت. باشد تا شاید این رویه تبدیل به قانون شود. الله اعلم

۱۴. نمونه نامه به دادگاه در صورت غیبت احدی از زوجین و درخواست نماینده یا کسب تکلیف

برای ثبت طلاق رجعی

ریاست محترم شعبه..... دادگاه خانواده.....

سلام علیکم

احتراماً در اجرای دادنامه شماره..... صادره از آن شعبه به استحضار میرساند علیرغم اخطاریه/ اخطاریه‌های ارسالی مورخه جهت حضور زوج/زوجه/زوجین در دفترخانه و ثبت گواهی عدم امکان سازش/حکم طلاق مع السف نامبرده جهت ثبت حاضر نگردید علی هذا مراتب جهت کسب تکلیف به آن مقام محترم قضایی اعلام می‌گردد.

باتشکر و تجدید احترام

۱۵. نمونه نامه اعلام رجوع به دفتر ازدواج در طلاق خلع و یا مبارات

دفتر رسمی ازدواج شماره.... و همکار محترم

با سلام

احتراماً درخصوص ثبت ازدواج شماره ... مورخه بین آقای ... و خانم ... در آن دفترخانه، به استحضار می‌رساند ثبت طلاق خلع/مبارات نامبردگان در مورخه... به شماره ترتیب ... در این دفترخانه ثبت گردید مطلقه درمورخه ... در ایام عده به مابذل خود رجوع نمود که مراتب به زوج اطلاع داده شد نتیجتاً درمورخه ... زوج نیز قبل از پایان عده به زوجه مطلقه رجوع نمود فلذا زوجیت به حالت اولیه و بقوت خود باقی است. علی هذا مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام و درج در ستون ملاحظات، به آن دفترخانه اعلام می‌گردد.

باتشکر / سردفتر طلاق

۱۶. نمونه اطلاع ثبت طلاق غیابی به زوج و یا زوجه. سردفتر طلاق

آقای/خانم

با سلام احتراماً پیرو اخطاریه‌های مورخ ... و که از جنابعالی دعوت شده بود متأسفانه جهت ثبت طلاق حاضر نشده‌اید لذا طلاق شماره ... در مورخه.... طبق دادنامه مزبوره در این دفتر ثبت و صیغه طلاق جاری شد لذا علقه زوجیت فی ما بین سافط گردید.

۱۷. نمونه نامه اعلام رجوع به زوجه

متن اخطاریه رجوع به ما بذل زوجه جهت ارسال به زوج

نام و نام خانوادگی ... نام پدر ... آدرس متن اخطار

آقای با توجه به ثبت طلاق خلعی شماره ... مورخ.. بین جنابعالی و خانم همسر مطلقه شما در ایام عده به تاریخ ... به این دفترخانه مراجعه و ضمن تقاضای کتبی به مابذل خود رجوع نموده است باتوجه به اینکه نوع طلاق ازخلع به رجعی تغییر یافته است لذا بدینوسیله به اطلاع می‌رساند جنابعالی نیز می‌توانید با مراجعه به این دفترخانه در ایام عده به زوجه خود رجوع نمایید

آدرس دفترخانه

باتشکر / سردفتر